



A Comparative Study of Bribery; With Special Reference to the Laws of Iran, Egypt and England

Hossein MirMohammad Sadeghi¹

Professor of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Iran, Tehran

Abstract

The ominous phenomenon of active and passive bribery has long existed in human society by corrupt people, especially in the position of judges, and the perpetrators have been severely dealt with. This phenomenon has been condemned in the poems of Persian language poets. Efforts to fight this crime - which is one of the obvious examples of administrative corruption - have caused it to be addressed in some international treaties and laws of many countries, which are described in this article. In Iran, the "General Penal Code" in 1304 dealt with active and passive bribery in ten articles (139 to 148), and these provisions sometimes underwent changes. Currently, the regulations regarding these crimes can be found in "Islamic Penal Code - Book V: *Taezirat* and Deterrent Punishments" and "Code for Aggravation of Punishment for Bribery, Embezzlement and Fraud" and some miscellaneous laws. In this article, while providing a definition of these crimes and analyzing their constituent elements, the gaps and shortcomings of Iran's laws have been examined and, using what is foreseen in the laws of other countries and international treaties, solutions to improve Iran's laws and to expand the definition of these crimes, in line with a more decisive fight against administrative corruption, have been proposed.

Keywords: active bribery, passive bribery, adjudication, government employees, property, document to pay money or give property.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Received: 21/01/2024

Accepted: 19/04/2024;

How To Cite Hossein MirMohammad Sadeghi, (2024). A Comparative Study of Bribery; With Special Reference to the Laws of Iran, Egypt and England, *Criminal law doctrines of Islamic countries*, 1 (2), 73-105.
doi.org/10.22091/DCLIC.2024.10216.1001

Published by: University of Qom

© The Author(s)

Article type: Research



آموزه‌های حقوق کیفری

کشورهای اسلامی

<https://diplic.iom.ac.ir>

مطالعه تطبیقی جرائم رشاء و ارتشا؛ با تأکید ویژه بر حقوق ایران، مصر و انگلستان

حسین میرمحمد صادقی^۱

استاد گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران

drsadeghi128@yahoo.com

چکیده

پدیده شوم رشاء و ارتشا از دیرباز در جامعه انسانی از سوی افراد فاسد، به‌ویژه در منصب قضا دارای پیشینه بوده است و مرتکبین مورد برخورد‌های سنگین قرار می‌گرفته‌اند. این پدیده در اشعار شاعران فارسی‌زبان نیز مورد تقبیح قرار گرفته است. تلاش در جهت مبارزه با این جرم - که از مصادیق بارز فساد اداری است - باعث پرداختن به آن در برخی از معاهدات بین‌المللی و قوانین بسیاری از کشورها شده است که در این مقاله شرح داده شده‌اند. در ایران نیز «قانون مجازات عمومی» در سال ۱۳۰۴ طی ده ماده (۱۳۹ تا ۱۴۸) به رشاء و ارتشا پرداخته بود که این مقررات بعضاً دستخوش تغییراتی شدند. در حال حاضر، مقررات راجع به این جرائم در «قانون مجازات اسلامی - کتاب پنجم: تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده» و «قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری» و برخی از قوانین متفرقه یافت می‌شود. در این مقاله، ضمن ارائه تعریفی از این جرائم و بررسی عناصر متشکله آن‌ها، خلأها و کاستی‌های قوانین ایران مورد بررسی قرار گرفته و با استفاده از آنچه در قوانین سایر کشورها و معاهدات بین‌المللی پیش‌بینی شده، راه‌حلهایی برای بهبود قوانین ایران و گسترش تعریف این جرائم در راستای مبارزه قاطع‌تر با فساد اداری ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: رشاء، ارتشا، احقاق حق، کارکنان دولت، مال، سند پرداخت وجه یا تسلیم مال.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۳۱

استاد: حسین میرمحمد صادقی، (۱۴۰۳). مطالعه تطبیقی جرائم رشاء و ارتشا؛ با تأکید ویژه بر حقوق ایران، مصر و انگلستان، *آموزه‌های حقوق کیفری*

کشورهای اسلامی، ۱(۲)، ۷۳-۱۰۵.

doi.org/10.22091/DCLIC.2024.10216.1001

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه قم

مقدمه

خدا را شکر که آن‌ها فسادپذیرند. آنان بشر و مثل همه ما به دنبال پول هستند. آن‌ها گرگ نیستند. تا وقتی فساد هست، امید هم هست. رشوه بهترین شانس انسان است. تا وقتی قُضات رشوه می‌گیرند، احتمال دادگستری وجود دارد!^۱

آثار سوء رشوه و فساد اقتصادی بر اقتصاد کشورها و ضایع ساختن اخلاق اداری بر کسی پوشیده نیست. از این رو، کشورهای مختلف جهان نسبت به تصویب قوانینی در راستای مقابله با رشاء و ارتشا و مجازات مرتکبین آن‌ها اقدام نموده‌اند. در سطح بین‌المللی نیز کشورها با همکاری یکدیگر در جهت مبارزه با این عمل اقداماتی را انجام داده‌اند. از جمله این اقدامات می‌توان از اعضای کنوانسیون سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) بر ضد ارتشا در سال ۱۹۹۷ نام برد. در همین رابطه، انعقاد کنوانسیون حقوق جزا در مورد فساد از سوی کشورهای شورای اروپا در استراسبورگ در ۱۷ ژانویه ۱۹۹۹ قابل ذکر است که در مقدمه آن به تأثیر سوء فساد بر حاکمیت قانون، اصول دموکراسی، عدالت اجتماعی و حقوق بشر تأکید شده است. در حال حاضر، مهم‌ترین سند بین‌المللی در مورد رشوه کنوانسیون سازمان ملل متحد بر ضد فساد منعقد در مریدا (مکزیک) در سال ۲۰۰۳ است که دولت جمهوری اسلامی نیز به آن پیوسته است که البته باید اقدامات جدی برای هماهنگ‌سازی قوانین داخلی ایران با مفاد کنوانسیون مبذول نماید. در این مقاله طی هشت بخش به تحلیل قوانین ایران در مورد رشاء و ارتشا در مقایسه با قوانین کشورهای دیگر، به‌ویژه انگلستان و مصر، پرداخته شده است.

۱. مفهوم‌شناسی

واژه رشوه از ریشه «رشو» و به معنی چیزی است که برای ضایع نمودن حقی یا انجام کاری برخلاف وظیفه و یا صادرکردن حکمی برخلاف حق و عدالت به کسی داده می‌شود. گاهی واژه رشوه به معنی کود و خاشاک نیز به‌کار رفته است (دهخدا ۱۳۷۳: ۱۰۶۴۸؛ عمید، ۱۳۶۴: ۵۲۹). ارتباط این معنی با معنی مصطح حقوقی، یعنی آنچه به کسی دهند تا کارسازی ناحق (معین، ۱۳۷۵: ۱۶۵۸) و به عبارت دیگر، باطل را احقاق یا حق را ابطال نماید (انیس و سایرین، ۱۳۷۲: ۳۴۸؛ دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۰۶۴۸) و در زبان فارسی گاه آن را پاره نامیده‌اند، آن است که همان‌طور که کود و خاشاک زمین را برای زراعت آماده می‌سازد، رشوه نیز نظر مرتشی را برای انجام کار مورد نظر راشی جلب می‌کند. رشوه دادن را رشاء و رشوه گرفتن را ارتشا می‌نامند. رشاء به معنی طناب یا طناب سطل چاه نیز به‌کار رفته است (انیس و سایرین، ۱۳۷۲: ۳۴۸) وجه تسمیه رشاء به طناب آن است که درواقع راشی با بستن طنابی به مرتشی

۱. Bertolt Brecht, Mother Courage and Her Children (Scene 3) ننه دلاور و فرزندان او. شاید عدم پیش‌بینی مجازات برای رشوه‌دهنده‌ای که جهت احقاق حق خود رشوه داده است در قوانین ایران، تحت تأثیر چنین دیدگاهی باشد.

وی را به‌سوی خود می‌کشد.

رشوه دادن و رشوه گرفتن از زمره جرائم علیه آسایش عمومی است که باعث سلب اعتماد و اطمینان مردم نسبت به نظام اجرایی و اداری، از بین رفتن زمینه رقابت سالم و فاسد شدن مأموران دولتی می‌شود. مأموران دولت بدین‌وسیله عادت می‌کنند که وظایف خود را جز با اخذ مابازاء یا پاداشی از ارباب‌رجوع انجام ندهند. برای جلوگیری از این فساد، در اکثر کشورهای دنیا ارتکاب این‌گونه اعمال جرم و قابل مجازات شناخته شده است.

۲. تاریخچه

ارتکاب ارتشا، به‌ویژه از سوی قضات، در همه کشورها پیشینه‌ای طولانی دارد. ویل دورانت، ضمن توصیف اوضاع اجتماعی عصر الیزابت (۱۶۰۳ - ۱۵۵۸ میلادی) از وضع نابسامان قانون و عدالت در آن دوران سخن گفته و اظهار می‌دارد که قضات دادگاه‌ها عموماً فاسد بودند. یکی از اعضای پارلمان آن روزگار، قاضی را حیوانی خطاب کرده است که برای نیم دوجین جوجه از یک دوجین قانون چشم می‌پوشد! شکسپیر، از قول لیر، می‌گوید: «گناه را با طلا اندود کن تا نیزه نیرومند عدالت بدون آنکه صدمه‌ای دیده باشد، بشکند.» گفته می‌شود که حتی فرانسیس بیکن دانشمند نیز برای تحصیل جاه و مال به کرات، در مقام دادستانی، حق و عدالت را به نفع شاه زیر پا نهاد (دورانت: ۱۵۸؛ راوندی، ۱۳۶۸: ۲۸۲).

در ایران هم اوضاع بر همین منوال بود، به‌ویژه در دوران قاجاریه که بسیاری از مقامات و مشاغل دولتی، تنها به دلیل «مداخل» و «رُسوم» نهفته در آن‌ها، برای افراد جاذبه داشت و حقوق رسمی قابل پرداخت به صاحبان مقامات، مبلغ قابل توجهی نبود. در همین دوران، چه بسیار مناصب و القابی که با پول خرید و فروش می‌شد^۱ و چه بسیار قراردادهای و معاهداتی که حتی در سطح بین‌المللی، با رشوه دادن به یک یا چند صاحب‌منصب دولتی به نفع یک کشور خارجی منعقد می‌گشت.

قبل از آن نیز در ایران باستان این عمل، به‌ویژه از سوی قضات، انجام می‌گرفته و گاه با مجازات‌های سختی عقوبت می‌شده است. اَلمستد در کتاب خود، تحت عنوان «تاریخ امپراطوری ایران»، از قول هرودت نقل می‌کند که طبق فرمان کمبوجیه پوست بدن قاضی که در مقابل گرفتن رشوه حکم ناحق داده بود را کنده و پس از دَبّاگی بر روی مسند سابق او که به فرزندش رسیده بود، انداختند تا فرزند، در همه حال، از عاقبت بد رشوه‌خواری آگاه باشد. همین شخص، از مصلوب کردن قاضی به دست داریوش به دلیل رشوه‌خواری سخن گفته است. انداختن پوست قاضی رشوه‌خوار بر روی مسند سابق او به اردشیر اول هم نسبت داده شده است (صانعی، ۱۳۷۲: ۸۰).

در اسلام هم رشوه دادن و رشوه گرفتن بسیار مذموم و ناپسند شمرده شده است. در قرآن کریم، «اکل مال باطل» و «اکل السُّحت» که یکی از مصادیق آن‌ها رشوه‌خواری است، منع شده است (بقره: ۱۸۷؛ مائده: ۶۲ و ۶۳). در برخی

۱. در برخی از کشورها این کار صراحتاً در قانون جرم شناخته شده است. از جمله به موجب بخش‌های ۱۱۳ و ۱۱۴ قانون جزای کانادا، خرید و فروش مشاغل و مناصب دولتی جرم می‌باشد.

از روایات، این کار هم‌پایه کفر به خدا دانسته شده و به راشی و مرتشی وعده آتش داده شده است (عاملی، ۱۴۰۱: حدیث ۱۲؛ خوئی: ۴).

۳. ارتشا در اشعار شاعران فارسی‌زبان

شعرای فارسی‌زبان هم در عرصه شعر و ادب به تقبیح این پدیده زشت پرداخته‌اند که ازجمله نمونه‌های زیر از دو شاعر بزرگ سرزمین ما، مولوی و سعدی، قابل ذکر است.

مولوی:

چون غرض آید هنر پوشیده شد صد حجاب از دل به‌سوی دیده شد
چون دهد قاضی به دل رشوت قرار کی شناسد ظالم از مظلوم زار

مولوی:

جهل را بی‌علتی عالم کند علم را علّت کژ و ظالم کند
تا تو رشوت نستی، بیننده‌ای چون طمع کردی، ضریب و بنده‌ای

سعدی:

قاضی که به رشوت بخورد پنج خیار ثابت کند از بهر تو صد خریزه زار
بگو آنچه دانی که حق گفته به نه رشوت ستانی و نه عشو^۱ ده^۲

سعدی:

۴. رشاء و ارتشا در قوانین قبلی ایران

«قانون مجازات عمومی»، مصوب سال ۱۳۰۴، در مبحث دوم از فصل چهارم (مواد ۱۳۹ الی ۱۴۸) به رشاء و ارتشا می‌پرداخت. البته، مقررات راجع به رشاء و ارتشا در مواردی در قوانین قبل از انقلاب دستخوش تغییراتی شدند، ازجمله دو ماده ۱۳۹ و ۱۴۸ به‌موجب ماده ۲ «قانون مجازات ارتشا» نسخ شدند. لیکن، سایر مواد «قانون مجازات عمومی» همچنان به قوّت خود باقی ماندند. پس از پیروزی انقلاب، با تصویب «قانون تعزیرات» در سال ۱۳۶۲، مواد ۶۵ الی ۷۱ به جرائم رشاء و ارتشا تخصیص داده شده و مقررات قبلی راجع به این جرائم به‌طور ضمنی نسخ شدند. البته موادی نیز در قوانین متفرقه، مثلاً راجع به نظام وظیفه، در مورد این دو جرم یافت می‌شد.

۵. رشاء و ارتشا در قوانین فعلی ایران

با شیوع جرائمی مثل کلاهبرداری، اختلاس و ارتشا، مخصوصاً در سال‌های اولیه پس از پایان یافتن جنگ،

۱. در اینجا عشو به معنی حيله و فریب است.

۲. برای ملاحظه برخی دیگر از اشعار فارسی که واژه رشوه در آنها به کار رفته است و نیز برخی دیگر از آیات و روایات در مورد این پدیده زشت، ر.ک. لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه رشوه، و سید محمد اصغری، بررسی حقوقی و فقهی دو مسأله رشوه و اختکار (تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۷) ص ۱۱۶ به بعد.

قانون‌گذار به فکر تشدید مجازات این جرائم افتاد و با توجه به عدم تأیید شورای نگهبان، «قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری» در ۱۳۶۷/۹/۱۵ به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید. ماده ۳ این قانون راجع به جرم ارتشا است. افزون بر این، با تصویب «قانون تعزیرات» در سال ۱۳۷۵ در مجلس شورای اسلامی، مواد ۵۸۸ الی ۵۹۴ آن به جرائم رشاء و ارتشا اختصاص داده شدند. با توجه به اشاره ماده ۵۹۲ «قانون تعزیرات» به ماده ۳ «قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری» و نیز اینکه قانون اخیرالذکر مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام است، تردیدی باقی نمی‌ماند که مواد «قانون تعزیرات»^۱ نسخ ماده ۳ «قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری» نمی‌باشند و هدف از تصویب آن‌ها، اولاً، تعیین مجازات برای راشی (که در «قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری» مجازاتی جز ضبط اموال داده شده به‌عنوان رشوه برایش تعیین نشده بود) و ثانیاً، تسری مجازات ارتشا به برخی از اشخاص غیرمذکور در «قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری» و ثالثاً، پیش‌بینی پاره‌ای از مقررات متفرقه (مثلاً راجع به شروع به ارتشا و نظایر آن) بوده است. بدین ترتیب، عنصر قانونی جرائم رشاء و ارتشا را باید در میان مواد مورد اشاره و نیز قوانین متفرقه‌ای جست که گاه‌وبیگاه در مورد انواع خاصی از این جرم به تصویب مقنن رسیده است.^۲ (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۹: ۵۸ - ۵۷). عناصر مادی و روانی این جرائم را در بخش‌های بعدی مورد بررسی قرار می‌دهیم. قبل از پرداختن به عناصر مادی و روانی این دو جرم، ذکر تعریف آن‌ها از نظر قانون ایران و نیز توضیحاتی در مورد قابل گذشت و قابل تعلیق نبودن این دو جرم و مجازات‌های آن‌ها مفید به نظر می‌رسد.

رشاء یا رشوه دادن را می‌توان به معنی «دادن وجه، مال یا سند تسلیم وجه یا مال به مأموران دولت یا کارکنان شاغل در نهادهای عمومی و سایر افراد مذکور در قانون یا انجام معامله با بهای غیرواقعی با آن‌ها، برای انجام یا عدم انجام وظایف مرتبط با اداره یا سازمان محل اشتغال آن‌ها» و ارتشا یا رشوه گرفتن را به معنی «اخذ وجه، مال یا سند تسلیم وجه یا مال از سوی مأموران دولت یا کارکنان شاغل در نهادهای عمومی و سایر افراد مذکور در قانون یا انجام معامله با بهای غیرواقعی از سوی آن‌ها، برای انجام یا عدم انجام وظایف مرتبط با اداره یا سازمان محل اشتغال آن‌ها» دانست.

در مورد قابل گذشت بودن یا نبودن دو جرم رشاء و ارتشا، «قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری»، مصوب سال ۱۳۶۷ و نیز ماده ۱۰۴ «قانون مجازات اسلامی»، مصوب سال ۱۳۹۲، ذکری از قابل گذشت بودن این جرائم به میان نیاورده‌اند. بنابراین، به پیروی از اصل کلی مذکور در ماده ۱۰۳ «قانون مجازات اسلامی»، مصوب سال ۱۳۹۲، این جرائم را باید از زمره جرائم برخوردار از ماهیت عمومی و غیرقابل گذشت دانست و گذشت شاکی یا مدعی خصوصی را تنها، به‌موجب بند الف ماده ۳۸ «قانون مجازات اسلامی»، مصوب سال ۱۳۹۲، یک کیفیت

۱. منظور «قانون مجازات اسلامی - کتاب پنجم: تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده» است که به اختصار «قانون تعزیرات» نامیده شده است.

۲. البته، نگارنده ترجیح می‌دهد که از عنصری تحت عنوان عنصر قانونی جرم، علاوه بر عناصر مادی و روانی، نام برده نشود.

مخففه دانست.

اداره کل حقوقی قوه قضائیه در پاسخ به این سؤال که آیا ماده ۲۵ «قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری»، مصوب سال ۱۳۵۶، در مورد جرائم مذکور در «قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری» نیز قابل اعمال است یا خیر، به شرح زیر اظهار نظر کرده است:

«طبق ماده ۲۵ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری، هرگاه شاکی یا مدعی خصوصی در جرائم غیرقابل گذشت بعد از قطعیت حکم از شکایت خود صرف نظر نماید محکوم علیه می تواند، با استناد به استرداد شکایت، از دادگاه صادرکننده حکم قطعی درخواست کند که در میزان مجازات او تجدیدنظر نماید. در این مورد دادگاه به درخواست محکوم علیه در وقت فوق العاده با حضور دادستان تشکیل می شود و مجازات را در صورت اقتضا در حدود قانون تخفیف خواهد داد. دستور ماده مرقوم عام و کلی است. بنابراین در مورد جرائم موضوع قانون تشدید نیز لازم الاجرا است. نهایت اینکه دادگاه در مقام تخفیف مجازات جرائم موضوع ماده ۱ قانون اخیرالذکر باید مقررات تبصره اول همان ماده را مورد توجه و رعایت قرار دهد.»^۱

لازم به ذکر است که ماده ۱ «قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری» به جرم کلاهبرداری مربوط می شود و بنابراین، قسمت اخیر نظریه اداره کل حقوقی ناظر به جرم ارتشا نیست.

موضوع تعلیق اجرای مجازات در ماده ۲۵ «قانون مجازات اسلامی»، مصوب سال ۱۳۷۰، پیش بینی شده بود که به موجب آن قاضی می تواند با رعایت شرایط مذکور در ماده، اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را از دو تا پنج سال معلق نماید. لیکن مطابق بند ۲ ماده ۳۰ همین قانون، «مجازات کسانی که به جرم اختلاس یا ارتشا یا کلاهبرداری یا جعل و یا استفاده از سند مجعول یا خیانت در امانت یا سرقتی که موجب حد نیست یا آدم ربایی محکوم می شوند» قابل تعلیق نیست. اداره کل حقوقی قوه قضائیه نیز طی یک نظریه مشورتی، با استناد به ماده ۲۲ «قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری»، مصوب سال ۱۳۵۶، اظهار داشته بود که «مقررات مربوط به تعلیق تعقیب شامل جرائم ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری نیست.»^۲ لیکن ماده ۴۷ «قانون مجازات اسلامی»، مصوب سال ۱۳۹۲، در اشاره به جرائمی که صدور حکم و اجرای مجازات در مورد آنها قابل تعویق و تعلیق نیست، ذکری از رشاء و ارتشا به میان نیاورده است، مگر اینکه این جرائم را نیز از مصادیق جرائم اقتصادی و در صورتی که موضوع جرم بیش از یک صد میلیون ریال باشد، آن ها را مشمول بند ج ماده مذکور بدانیم. البته محسوب کردن همه انواع رشاء و ارتشا به عنوان جرائم اقتصادی مورد تردید است.

۱. در مورد ماده ۲۵ مرقوم، به رأی وحدت رویه شماره ۵۸۳، مورخ ۱۳۷۲/۷/۶، هم توجه کنید که طبق آن، «حکم قطعی مذکور در ماده ۲۵ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب ۲۵ خرداد ماه ۱۳۵۶ که در جرائم تعزیری غیرقابل گذشت صادر می شود، اعم از حکمی است که دادگاه نخستین به صورت غیر قابل تجدیدنظر صادر کند و یا قابل تجدیدنظر بوده و پس از رسیدگی در مرحله تجدیدنظر اعتبار قطعیت پیدا نماید...».

۲. نظریه مشورتی شماره ۷/۶۲۶۵، مورخ ۱۳۷۲/۹/۹، اداره کل حقوقی قوه قضائیه.

۶. عنصر مادی در جرائم رشاء و ارتشا

عنصر مادی صُور عام این دو جرم را می‌توان در سه ماده به شرح زیر یافت:

اول، ماده ۳ «قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری»، مصوب سال ۱۳۶۷ (راجع به جرم ارتشا)؛

دوم، ماده ۵۹۲ «قانون تعزیرات»، مصوب سال ۱۳۷۵ (در مورد جرم رشاء)؛

سوم، ماده ۵۹۰ «قانون تعزیرات»، مصوب سال ۱۳۷۵ (در تبیین معنی رشوه).

در زیر، ابتدا متن این سه ماده را ذکر کرده و سپس به بحث در مورد عنصر مادی این دو جرم می‌پردازیم.

ماده ۳: «هر یک از مستخدمین و مأمورین دولتی اعم از قضایی و اداری یا شوراها یا شهرداری‌ها یا نهادهای انقلابی و به‌طور کلی قوای سه‌گانه و همچنین نیروهای مسلح یا شرکت‌های دولتی یا سازمان‌های دولتی [یا] وابسته به دولت و یا مأمورین به خدمات عمومی، خواه رسمی یا غیررسمی، برای انجام دادن یا انجام ندادن امری که مربوط به سازمان‌های مزبور است وجه یا مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مالی را مستقیماً یا غیرمستقیم قبول نماید، در حکم مرتشی است، اعم از اینکه امر مذکور مربوط به وظایف آن‌ها بوده یا آنکه مربوط به مأمور دیگری در آن سازمان باشد، خواه آن کار را انجام داده یا نداده و انجام آن بر طبق حقانیت و وظیفه بوده یا نبوده باشد و یا آنکه در انجام یا عدم انجام آن مؤثر بوده یا نبوده باشد به ترتیب زیر مجازات می‌شود...»

ماده ۵۹۲: «هرکس عالماً و عامداً برای اقدام به امری یا امتناع از انجام امری که از وظایف اشخاص مذکور در ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷/۹/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام است وجه یا مالی یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مالی را مستقیم یا غیرمستقیم بدهد در حکم راشی است...».

ماده ۵۹۰: «اگر رشوه به‌صورت وجه نقد نباشد بلکه مالی بلاعوض یا به مقدار فاحش ارزان‌تر از قیمت معمولی یا ظاهراً به قیمت معمولی و واقعاً به مقدار فاحشی کمتر از قیمت به مستخدمین دولتی، اعم از قضایی و اداری، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم منتقل شود یا برای همان مقاصد مالی به مقدار فاحشی کمتر از قیمت به مستخدمین دولتی، اعم از قضایی و اداری، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم منتقل شود، یا برای همان مقاصد به مقدار فاحشی گران‌تر از قیمت از مستخدمین یا مأمورین، مستقیم یا غیرمستقیم، خریداری گردد مستخدمین و مأمورین مزبور مرتشی و طرف معامله راشی محسوب می‌شود.»

۶-۱. رفتار فیزیکی در عنصر مادی جرائم رشاء و ارتشا

همان‌طور که از متن سه ماده فوق معلوم می‌شود، عمل فیزیکی لازم برای تحقق عنصر مادی جرائم رشاء و ارتشا، فعل مثبت و عبارت از «دادن» یا «قبول کردن» وجه یا مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مال (که اولی عمل فیزیکی در جرم رشاء و دومی عمل فیزیکی در جرم ارتشا است) و نیز «انجام معامله» با مبلغ غیرواقعی است. بدین ترتیب، کارمندی که در مقابل انجام یا عدم انجام کاری برای ارباب‌رجوع مالی را از وی قبول می‌کند یا ملک او را به بهایی بسیار کمتر از قیمت واقعی آن می‌خرد مرتشی و طرف مقابل راشی محسوب می‌شود.

نکته قابل ذکر در مورد واژه «قبول نماید»، مذکور در ماده ۳ «قانون تشدید...»، آن است که با توجه به ظاهر عبارت ماده ۳ و با توجه به اینکه ماده ۵۹۲، ضمن اشاره به ماده ۳، از «دادن» وجه یا مال یا سند سخن گفته است، تردیدی باقی نمی ماند که منظور ماده ۳ از «قبول نماید» آن است که کارمند مورد بحث وجه یا مال یا سند را «اخذ نماید». بنابراین، به صرف اینکه وی «پیشنهاد» ارباب رجوع را برای دادن وجه یا مال یا سندی به وی «پذیرد» جرم ارتشا محقق نخواهد شد.^۱ در تأیید این نظر، اداره کل حقوقی قوه قضائیه در پاسخ به این سؤال که «آیا صرف وعده و قراری که بین شخصی به عنوان راشی و دیگری به عنوان مرتشی گذاشته می شود برای تحقق رشاء و ارتشا کافی است یا تسلیم و تسلّم مال یا وجه ضرورت دارد؟» به شرح زیر پاسخ داده است:

«از عبارت مذکور در ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری مصوب سال ۱۳۶۷ که مقرر می دارد، «... وجه یا مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مالی را مستقیماً یا غیرمستقیم قبول نماید» و تبصره ۲ ذیل ماده مذکور که مقرر می دارد «در تمام موارد فوق مال ناشی از ارتشا به عنوان تعزیر رشوه دهنده به نفع دولت ضبط خواهد شد»، این مفهوم حاصل است که مرتشی باید مال را دریافت نماید، به عبارت دیگر قبول به معنی دریافت است و با دریافت آن جرم ارتشا تحقق می یابد و الا صرف وعده راشی به تنهایی کافی برای تحقق جرم نیست، مگر آنکه اقداماتی را که مرتشی انجام داده با وعده راشی جمعاً مفید شروع به جرم ارتشا باشد.»^۲

شاید بتوان آنچه را که به آن اشاره کردیم ایرادی بر مواد ۳ و ۵۹۲ فوق الذکر دانست و بهتر آن بود که هر دو ماده حتی پیشنهاد دادن یا گرفتن وجه، مال یا سند را نیز مشمول عناوین رشاء یا ارتشا قرار می دادند، مخصوصاً از آن رو که محسوب کردن این گونه پیشنهادها به عنوان «عملیات اجرایی» جرم و در نتیجه مجازات کردن پیشنهاد دهنده تحت عنوان شروع به جرم نیز مورد تردید است.

اشکال و ایرادی که بر مواد مذکور وارد کردیم، در قوانین بسیاری از کشورهای دیگر وجود ندارد.^۳ برای مثال، بر اساس «قانون عقوبات» مصر، رشوه دادن و گرفتن در مورد «موظف عمومی»، یعنی کارمند دولت، پیش بینی شده است. لیکن، برخلاف قانون ایران که تنها قبول نمودن (به معنی اخذ) مال را شرط تحقق ارتشا دانسته است، «قانون عقوبات» مصر، رکن مادی جرم را عبارت از هر یک از سه فعل «درخواست»، «قبول» یا «اخذ» وعده یا هدیه ای برای خود یا دیگری می داند.^۴ «درخواست»، عملی یک جانبه از سوی مرتشی است که بدون نیاز به قبول شدن از سوی طرف مقابل،

۱. مقایسه کنید با رأی شماره ۲۳۱۶، مورخ ۱۳۱۹/۶/۱۶، شعبه دوم دیوان عالی کشور، مذکور در احمد متین، مجموعه رویه قضایی، ص ۱۱ که بیان می دارد: «طبق ماده ۱۴۲ قانون کیفر عمومی هرکس برای اقدام به امری که از وظایف اشخاص مذکوره در آن ماده است یا برای امتناع آنان از انجام آن امر وجهی به آنها بدهد راشی محسوب است و قبول نکردن آنها تأثیری در قضیه نخواهد داشت.»

۲. نظریه شماره ۷/۲۶۵۷، مورخ ۱۳۷۲/۵/۱۹، اداره کل حقوقی قوه قضائیه.

۳. در این مورد، همین طور نگاه کنید به مفاد «کنوانسیون حقوق جزا در مورد فساد» منعقدۀ از سوسیورای اروپا در استراسبورگ در ژانویه ۱۹۹۹.

۴. برای مثال، ماده ۱۰۳ قانون عقوبات مصر مقرر می دارد، «کل موظف عمومی طلب لنفسه او لغيره او قبل او اخذ و عدا أو عطية لاداء عمل من اعمال وظيفته بعد مرتشيا و يعاقب بالاشغال الشاقة المؤبدة و بغرامة لا تقل عن الف جنيه و لا تزيد على ما أعطى أو وعد به».

موجب تحقق عنصر مادی جرم ارتشا از لحاظ قانون مصر می‌گردد. از سوی دیگر، «قبول» مستلزم وجود ایجاب یا پیشنهادی از سوی طرف و «اخذ» نیز به معنی دریافت عملی هدیه داده شده از سوی طرف مقابل است (بهنام، ۱۹۸۶ م: ۱۹). «قانون جزا» در فرانسه نیز ارائه پیشنهاد یا درخواست را از مصادیق عنصر مادی این جرائم دانسته است.^۱ همین‌طور، بخش‌های ۱ و ۲ «قانون ارتشا»، مصوب سال ۲۰۱۰ در انگلستان، علاوه بر دادن و گرفتن، ارائه پیشنهاد، قول دادن، درخواست و توافق نسبت به دریافت را نیز موجب تحقق رشاء و ارتشا دانسته است.

ماده ۵۹۰ «قانون تعزیرات»، مصوب سال ۱۳۷۵، انجام معاملات به بهای غیر واقعی را هم در حکم دادن یا گرفتن مال و در نتیجه، موجب تحقق عناوین مجرمانه رشاء و ارتشا دانسته است. در قسمت اول ماده مورد بحث، از انتقال مال و در قسمت آخر آن از خریدن مال سخن به میان آمده است. با توجه به اینکه «انتقال» واژه‌ای عام بوده و شامل مواردی غیر از خرید و فروش، یعنی سایر عقود تملیکی، نیز می‌شود، بهتر آن بود که قانون‌گذار در قسمت اخیر ماده نیز از همان واژه انتقال به جای کلمه «خریداری» استفاده می‌کرد، تا این ابهام برای خواننده ماده به وجود نیاید که با توجه به کلمات به کار برده شده در ماده، «انتقال دادن» مال به کارمند دولت، به هر نحو از انحا (اعم از هبه معوض، صلح، بیع و غیره) در مقابل عوضی کمتر از عوض واقعی رشوه محسوب می‌شود ولی «انتقال گرفتن» آن به مقداری گران‌تر از مقدار واقعی تنها در صورتی رشوه محسوب می‌گردد که این انتقال با انعقاد عقد «بیع» صورت گرفته باشد. در هر حال، به نظر می‌رسد تحقق جرم منوط به آن است که عملاً انتقال مالکیت صورت بگیرد و الا اگر معامله انجام شده، به دلیل وجود یکی از موانع صحت معاملات در آن، مثلاً موجود نبودن مبیع در بیع عین معین، یا تصریح جهت نامشروع در عقد، یا وجود شرط خلاف مقتضای عقد در آن،^۲ یا مالک نبودن انتقال‌دهنده و یا هر دلیل دیگری، باطل و کأن لم یکن محسوب گردد، حداکثر می‌توان حکم به تحقق شروع به جرم داد، زیرا در چنین حالتی خرید و فروش یا انتقال دادن و گرفتن، به عنوان عمل فیزیکی لازم برای تحقق عنصر مادی جرم، به وقوع نپیوسته است.^۳ این مورد را نمی‌توان با مثلاً خرید و فروش مواد مخدر مقایسه کرد که در آن، علیرغم اینکه در واقع عقد بیعی رخ نمی‌دهد، جرم پیش‌بینی شده در قانون، به صرف اقدام به آنچه عرفاً خرید و فروش گفته می‌شود، ارتکاب می‌یابد. البته برخی در مورد رشاء و ارتشا هم معتقدند همین که معامله علی‌الظاهر انجام شود، حتی اگر انتقال صحیح حقوقی صورت نگیرد، جرائم تام رشاء و ارتشا محقق می‌شوند.

بدین ترتیب، معلوم می‌شود که هر چند در دادن مال یا وجه برای «تحقق جرم رشاء یا ارتشا، مالکیت راشی نسبت به مالی که به عنوان رشوه می‌دهد، شرط نیست و اگر راشی مال مسروقه را هم به عنوان رشوه بدهد از مصادیق رشاء

۱. نگاه کنید به مواد ۱۱، ۴۳۲، ۱۱، ۴۳۳ و ۲ - ۴۳۳ قانون جزای فرانسه.

۲. نگاه کنید به مواد ۳۶۱، ۲۱۷ و ۲۳۳ قانون مدنی.

۳. جهت نظر مخالف، ر.ک. جزوه شماره ۸ از متون آموزشی قضات سازمان قضایی نیروهای مسلح، به نقل از مجموعه نشست‌های قضایی.

است.^۱ لیکن، در صورت انجام «معامله» (یعنی شق دوم عمل فیزیکی لازم برای تحقق عنصر مادی جرم) حتماً باید معامله صحیح باشد، به گونه‌ای که «انتقال» مالکیت صورت گیرد و الا جرائم تام رشاء و ارتشا به وقوع نخواهند پیوست. حالت پیچیده‌تر وقتی است که معامله انجام شده باطل نبوده بلکه به عللی مثل مالک نبودن انتقال دهنده یا مکره بودن مالک (شخص ثالث) انتقال غیرنافذ بوده باشد. در چنین حالتی، در صورت تنفیذ بعدی مالک، آیا می‌توان حکم به تحقق جرائم رشاء و ارتشا داد و اگر بلی، از چه زمانی می‌توان این جرائم را محقق دانست: از زمان تنفیذ یا از زمان انجام اولیه معامله؟ نظر نگارنده آن است که با توجه به اینکه به موجب قانون ایران رضای مالک کاشف است و نه ناقل و در نتیجه، باعث صحیح شدن معامله از همان زمان انعقاد می‌گردد،^۲ در این مورد نیز باید، در صورت تنفیذ بعدی معامله از سوی مالک، جرائم رشاء و ارتشا را از همان زمان انجام معامله محقق دانست. البته در این صورت، با توجه به مؤخر بودن عمل مالک نسبت به عمل مرتکبان، نمی‌توان وی را معاون در جرائم رشاء و ارتشا دانست.

همان‌طور که در هر سه ماده مورد بررسی تصریح شده است، دادن یا گرفتن وجه، مال یا سند و نیز انجام معامله صوری لازم نیست به شکل مستقیم انجام گیرد، بلکه بنا به تصریح قانون، می‌تواند به‌طور غیرمستقیم (مثلاً به واسطه همسر یا فرزند راشی یا مرتشی و یا هر شخص ثالثی) نیز انجام گیرد. این موضع در قوانین بسیاری از کشورهای دیگر هم پذیرفته شده است.^۳ حتی در حقوق انگلستان، بخش (۴) ۱ «قانون ارتشا»، مصوب سال ۲۰۱۰، صراحتاً بیان می‌دارد که برای تحقق جرم رشاء ضرورتی ندارد که شخصی که امتیاز را دریافت می‌کند، همان کسی باشد که بناست کار مورد انتظار را انجام دهد. بخش (الف) (۶) ۲ هم در مورد ارتشا به این نکته تصریح کرده است که دریافت یا توافق به دریافت امتیاز می‌تواند مستقیماً یا از طریق شخص ثالثی انجام شود. همین‌طور، قبض و اقباض فیزیکی مال ضرورتی ندارد، بلکه صرف اینکه مال در اختیار فرد قرار داده شود، مثلاً وجه به حساب او واریز یا ملک یا خودرو به نام او منتقل یا پول، با رضایت او، در کشوی میزش گذاشته شود، کفایت می‌کند.

ازلحاظ جزء سوم عنصر مادی، یعنی جزء نتیجه، باید گفت جرائم مورد بحث از زمره جرائم مطلق می‌باشند و تحقق آن‌ها منوط به وقوع نتیجه خاصی نیست. بنابراین، همان‌طور که ماده ۳ «قانون تشدید...» تصریح کرده است، تحقق جرم ارتباطی با اینکه مستخدم «آن کار را انجام داده یا نداده» باشد ندارد. همین موضع در قوانین بسیاری از کشورهای دیگر، از جمله کانادا، پذیرفته شده است.^۴ همین‌طور، در صورت دادن و گرفتن «سند پرداخت وجه یا تسلیم مال»، مثل اینکه چکی بین طرفین رد و بدل شود، برگشت خوردن آن تأثیری در مسئولیت کیفری طرفین ندارد، زیرا به محض دادن و گرفتن آن سند، جرم تمام شده است.

۱. نظریه مشورتی شماره ۷/۱۵۶۴، مورخ ۱۳۷۳/۴/۱۸، اداره کل حقوقی قوه قضائیه.

۲. نگاه کنید به ماده ۲۰۹ قانون مدنی.

۳. از جمله، نگاه کنید به بخش ۱۱۰ (۱) (c) قانون جزای کانادا و مفاد کنوانسیون حقوق جزا در مورد فساد، منعقد از سوی شورای اروپا در سال ۱۹۹۹.

4. Sinasac (1977) 35 C. C. C (2d) 81 (Ont. C. A.); Ruddock (1978) 25 N. S. R (2d) 77N.S.C.A.

۲-۶. شرایط و اوضاع و احوال لازم برای تحقق جرم

در مورد جزء دوم عنصر مادی، یعنی مجموعه شرایط و اوضاع و احوالی که وجود یا عدم آن‌ها برای تحقق جرم ضروری است، می‌توان به چند شرط و نکته مهم اشاره کرد.

اول اینکه جرائم رشاء و ارتشا در صورتی قابل تحقق هستند که رشوه‌گیرنده (مرتشی) از زمره کارکنان دولت و به تصریح ماده ۳ «قانون تشدید...»، جزء «مستخدمین و مأمورین دولتی اعم از قضایی و اداری یا شوراها یا شهرداری‌ها یا نهادهای انقلابی و به‌طور کلی قوای سه‌گانه و همچنین نیروهای مسلح یا شرکت‌های دولتی یا سازمان‌های دولتی یا وابسته به دولت و یا مأمورین به خدمات عمومی خواه رسمی یا غیررسمی» باشد. بدین ترتیب، ملاحظه می‌شود که قانون‌گذار ایران، هرچند برخلاف نظر برخی از فقها تحقق رشاء و ارتشا را محدود به امر قضا ننموده،^۱ لیکن تا آنجا پیش نرفته است که برای اخذ و اعطای رشوه در مورد کارکنان بخش خصوصی هم وصف مجرمانه قائل شود؛ البته لازم به ذکر است که هیئت عمومی دیوان عالی کشور طی یک رأی وحدت رویه که راجع به جرم تصرف غیرقانونی موضوع ماده ۵۹۸ «قانون تعزیرات» است، کارکنان بانک‌های خصوصی که تحت نظارت بانک مرکزی به ارائه خدمات گسترده پولی و بانکی به مردم می‌پردازند را از مصادیق مأمورین به خدمات عمومی دانسته است.^۲ قانون‌گذار ایران، احتمالاً برای پرهیز از هرگونه ایراد فقهی، از جمله از سوی شورای نگهبان، در ماده ۵۹۲ «قانون تعزیرات» از عبارت «در حکم راشی است» و در ماده ۳ «قانون تشدید...»، از عبارت «در حکم مرتشی است» استفاده کرده است. اداره کل حقوقی قوه قضائیه، طی یک نظریه مشورتی، در پاسخ به این سؤال که اگر غیرکارمند دولت برای انجام امری در مراجع دولتی وجهی دریافت نماید. آیا عمل دریافت کننده وجه اخذ رشوه و عمل دهنده آن دادن رشوه است یا خیر؟ اظهار داشته است:

«چون گیرنده وجه از اشخاص مذکور در ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری نیست، لذا عمل مشارالیه صرفاً اخاذی و کلاهبرداری تلقی و منطبق با ماده ۱ قانون مذکور است. بنابراین، چون مرتکب (دریافت کننده وجه) مرتشی محسوب نمی‌شود، پرداخت کننده وجه نیز راشی تلقی نمی‌گردد و قانوناً پرداخت کننده وجه قابل مجازات نیست.»^۳

بدین ترتیب، هرگاه کسی به شخصی که هنوز به استخدام دولت درنیامده است وجه یا مالی بپردازد، به امید آنکه وی بعداً کارمند دولت شده و مشکل او را حل نماید، یا به کسی پس از ترک سمت کارمندی دولت از سوی او، مالی

۱. با توجه به اطلاق ادله حرمت رشوه، نظر این دسته از فقها را می‌توان حمل بر آن کرد که مربوط به دورانی است که یا تشکیلات اداری به شکل امروز اساساً وجود نداشته و یا این که چنین تشکیلاتی کاملاً خارج از حیطه اقتدار فقها بوده است. بنابراین، تنها حوزه‌ای که در آن فقها و حاکمان دخالت داشته‌اند، حوزه قضا بوده است. در حالی که امروزه در بسیاری از کشورهای جهان، از جمله انگلستان، قضات جزء سالم‌ترین نیروهای دولتی می‌باشند که فساد مالی در آن‌ها اندک است. ر.ک. Blackstone's Guide to Bribery Act, 2010, P.1.

۲. رأی وحدت رویه شماره ۷۹۸، مورخ ۱۳۹۹/۰۷/۱۵ هیأت عمومی دیوان عالی کشور.

۳. نظریه مشورتی شماره ۷/۷۳۲۱، مورخ ۱۳۷۳/۱۰/۲۰، اداره کل حقوقی قوه قضائیه.

بدهد، جرائم رشاء و ارتشا تحقق نمی‌یابند. محدود کردن این دو جرم تنها به مواردی که گیرنده مال کارمند دولت است، شبیه موضع کامن‌لای قدیم در مورد رشوه‌خواری است که این جرم را تنها در مورد مشاغل دولتی و عمومی پیش‌بینی کرده بود. در نتیجه، اخذ و اعطای حق‌العمل‌های مخفی از سوی عاملین یا سایر کسانی که از سوی اشخاص خصوصی وظایفی را بر عهده داشتند در حقوق مدنی به‌جای حقوق جزا مورد بحث واقع می‌شده^۱ و مثلاً قراردادی که یک عامل تحت تأثیر بالفعل یا بالقوه رشوه منعقد می‌کرد، باطل محسوب می‌گشت (Smith, 1994:799). حتی امروز نیز در حقوق انگلستان این جرم، علاوه بر حقوق جزا، با حقوق مدنی نیز ارتباط متقابل دارد، یعنی اگر از نظر حقوق مدنی مالی که فردی دریافت کرده است متعلق به او محسوب شود آن مال را، نه در کامن‌لا و نه به موجب قانون موضوعه، نمی‌توان رشوه محسوب کرد، هر چند که گیرنده با سوءنیت عمل کرده باشد. بنابراین، اگر مثلاً کسی انعام قابل توجهی دریافت دارد این انعام را، با توجه به اینکه به او تعلق دارد و نه به کارفرما،^۲ نمی‌توان رشوه محسوب کرد. البته، این موضوع در عمل مشکل چندانی را ایجاد نمی‌کند، زیرا معمولاً حقوق مدنی در این زمینه از حقوق جزا سخت‌گیرتر است (Smith, 1994:791).

به هر حال، در حقوق انگلستان طی قرن‌ها به تبعیت از کامن‌لا مقررات کیفری راجع به رشوه تنها مقامات دولتی و عمومی را در برمی‌گرفت و رشوه در امور غیردولتی تحت شمول حقوق مدنی بود. با این حال، با توجه به اینکه این‌گونه کارها برای عامه مردم نیز ضررهایی را در بر دارد (مثلاً اینکه آن‌ها مجبور به پرداخت پول بیشتری برای اجناس شده و از یک رقابت سالم محروم می‌مانند) پس از اقدامات اشخاص و نهادهای مختلف، از جمله کمیته کمیسون‌های سرّی اتاق بازرگانی لندن، پارلمان دخالت کرده و با تصویب بخش (۱) «قانون جلوگیری از فساد»، مصوب سال ۱۹۰۶، عاملی^۳ را که برای انجام یا عدم انجام عملی در رابطه با کار یا شغل شخص اصیل،^۴ هدیه^۵ یا مابه‌ازایی^۶ را، برای خود یا دیگری، از شخص دیگری پذیرفته یا تحصیل کرده، یا قبول می‌کند که بپذیرد و یا شروع به تحصیل آن می‌کند،^۷ مجرم محسوب کرده است. واژه «عامل» در قانون مذکور در معنی مضیق آن به کار نرفته بود، بلکه هرکسی را که برای دیگری کار می‌کرد در برمی‌گرفت. واژه «اصیل» نیز کارفرما را در برمی‌گرفت و بنابراین وجود نوعی رابطه استخدامی یا نمایندگی ضروری بود.^۸ بدین ترتیب، در یک پرونده کانادایی که در آن بازرگانی به یک مهندس معدن برای تهیه گزارش نادرست پول پرداخت کرده بود، عمل وی رشوه دادن محسوب نشد، زیرا مهندس مذکور عامل یا

۱. مثلاً در پرونده Mayor of Salford v. Lever [1891] 1 Q. B. 168 مقرر گشت که اصیل می‌تواند مبلغ رشوه را از عامل دریافت داشته، و به علاوه هم از او و هم از کسی که به او رشوه داده است خسارت بگیرد.

2. Hovendon and Sons V. Millhoff (1900) 83 L. T. 41, 43; Industries and General Mortgage Co. V. Lewis [1949] 2 All E. R. 573, 577

3. Agent

4. Principal

5. Gift

6. Consideration

7. Accepts or obtains or agrees to accept or attempts to obtain

8. Prevention of Corruption Act, Section 1 (2)

مستخدم کسی نبوده است.^۱ از سوی دیگر، یک نفر ممکن است عامل یا مستخدم بیش از یک فرد یا شرکت محسوب شود.^۲

با توجه به تأثیرات منفی فساد بخش خصوصی که از جمله در گزارش جهانی فساد،^۳ منتشر شده از سوی سازمان شفافیت بین‌المللی^۴ در سال ۲۰۰۹، مورد تأکید قرار گرفته است و موارد مختلفی که از وجود فساد در بخش خصوصی انگلستان حکایت می‌کرد،^۵ «قانون ارتشا»، مصوب سال ۲۰۱۰ در انگلستان، علاوه بر رشوه‌خواری کارکنان شاغل در بخش‌های عمومی و دولتی، رشوه‌خواری در اثنای فعالیت‌های تجاری و فعالیت‌هایی که فرد در حین انجام وظایف استخدامی خود انجام می‌دهد را نیز جرم‌انگاری کرده است.^۶

قانون فوق‌الذکر، رشوه دادن به کارکنان دولت‌های خارجی و سازمان‌های بین‌المللی برای اخذ امتیازات تجاری یا استخدامی را نیز جرم‌انگاری کرده است. لیکن، در مورد دولت‌های خارجی، مقررات راجع به رشوه را به کارکنان بخش خصوصی در آن کشور تسری نداده و رشوه دادن به آن‌ها را جرم‌انگاری نکرده است.^۷

این پیش‌بینی در راستای اجرای توصیه‌های «گروه کاری سازمان توسعه و همکاری اقتصادی»،^۸ که دولت انگلستان به دلیل عدم توجه به آن‌ها در معرض انتقاداتی قرار داشت، انجام شده است. با توجه به اینکه ماده ۱۶ «کنوانسیون ضد فساد سازمان ملل متحد»^۹ در سال ۲۰۰۳ که دولت جمهوری اسلامی ایران نیز به آن پیوسته است، به دولت‌های عضو توصیه کرده است که رشوه دادن به کارکنان دولت‌های خارجی و سازمان‌های بین‌المللی را نیز جرم‌انگاری کنند، اصلاح قوانین ایران در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد.

قانون سال ۲۰۱۰ انگلستان حتی شرکت‌ها و نهادهای تجاری که کارکنان آن‌ها در راستای کسب یا حفظ مزایای تجاری برای کارفرما رشوه می‌دهند را نیز، در صورت جلوگیری نکردن از این اقدام، مجرم شناخته است.^{۱۰} برای فرار از این اتهام، آن‌ها باید اثبات نمایند که رویه‌های کارآمدی را برای جلوگیری از چنین اقداماتی در درون شرکت پیش‌بینی کرده بوده‌اند. با توجه به اینکه ماده ۱۴۳ «قانون مجازات اسلامی»، مصوب سال ۱۳۹۲، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را پذیرفته است، محکوم کردن یک شرکت تجاری به جرم رشاء یا ارتشا، در صورت تحقق شرط

1. Vici (1911) 18 C. C. C. 51

2. Morgan [1970] 3 All E. R. 1053

3. Global Corruption Report 2009.

4. Transparency International.

۵. از جمله این موارد، افشای قراردادی به میزان ۸۵۰/۰۰۰ پوند از سوی یک شرکت پیمانکار خصوصی به نام Metronet به یک شرکت فاقد صلاحیت با دریافت رشوه، جهت بازسازی ایستگاه مترو میدان آکسفورد در شهر لندن بود. جهت ملاحظه سایر آمار در مورد فساد بخش خصوصی، ر.ک: Blackstone's Guide To the Bribery Act (Oxford University Press, 2010), P8

۶. ر.ک. بخش چهارم قانون.

۷. ر.ک. بخش ششم قانون.

8. Working Group of the Organization for Economic Co-Operation and Development (OECD)

9. Working Group of the Organization for Economic Co-Operation and Development (OECD)

۱۰. ر.ک. بخش هفتم قانون، تحت عنوان: Failure of commercial organizations to prevent bribery

مذکور در ماده فوق‌الذکر، در حقوق ایران ممکن به نظر می‌رسد. شرط مذکور آن است که «نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرم شود.» البته، بنا به تصریح ماده، «مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع مسئولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست.» نباید ناگفته گذاشت که عبارت «نماینده قانونی» در ماده ۱۴۳ مبهم است و معلوم نیست که آیا منظور از آن تنها کسی است که طبق ضوابط قانونی و مفاد اساسنامه شرکت، نماینده قانونی آن محسوب می‌شود (مثلاً مدیرعامل) یا اینکه همه کسانی که از سوی شرکت یا هر شخص حقوقی دیگر مأموریتی دارند (مثلاً مأمور خرید یا فروش، خلبان هواپیمای یک شرکت هواپیمایی و راننده اتوبوس یک شرکت اتوبوس‌رانی) را نیز در برمی‌گیرد (میرمحمدصادقی، ۱۴۰۱: ۱۵۳-۱۴۵).

در پاسخ به این سؤال که آیا مقررات راجع به رشوه‌خواری را باید در مورد کارکنان بخش خصوصی نیز اعمال کرد یا خیر، گاه گفته می‌شود که خطر رشوه‌خواری از سوی یک کارمند بخش دولتی، با توجه به اینکه کار وی به بخش عظیمی از مردم ربط پیدا می‌کند، بسیار بیش از خطر انجام این کار از سوی یک کارمند بخش خصوصی (که وظیفه‌ای در قبال کل جامعه بر عهده ندارد) است و در صورت تسری دادن این جرم به بخش خصوصی از اهمیت نمادین آن کاسته می‌شود. در پاسخ به این نظر می‌توان اظهار داشت که تفکیک بین بخش خصوصی و بخش دولتی هیچ‌گاه چندان واضح و روشن نبوده است.

به‌ویژه امروزه بسیاری از وظایفی که به‌طور سنتی دولت‌ها متصدی انجام آن بوده‌اند به بخش خصوصی واگذار شده است. از اموری مثل تأمین آب، برق، گاز، مخابرات، بانکداری و سایر خدمات عمومی که بگذریم، حتی در برخی از کشورها انجام اموری مثل اداره زندان‌ها نیز بر عهده بخش خصوصی گذاشته شده است. نادرستی تفکیک بین کارکنان بخش خصوصی و بخش دولتی در جایی بیشتر نمایان می‌شود که کار واحدی هم در بخش دولتی و هم در بخش خصوصی انجام می‌شود. یک مثال این مورد، فعالیت‌های آموزشی، یا بانکداری یا مخابرات است که معمولاً هر دو بخش دولتی و خصوصی در آن فعالیت دارند، یا مثلاً در مورد اداره زندان‌ها، در ایالت کوئینزلند^۱ استرالیا، اداره بخشی از زندان‌ها به بخش خصوصی واگذار شده است، درحالی‌که برخی دیگر از زندان‌ها را مأموران دولتی اداره می‌کنند. حال، بر اساس چه استدلال معقولی می‌توان رشوه‌خواری را در مورد کارکنان بانک‌ها، شرکت‌های مخابراتی، مؤسسات آموزشی یا زندان‌های تحت نظر دولت ارتشا محسوب کرده ولی این کار را در مورد کارکنان تحت نظر بخش خصوصی جرم ندانست؟

ممکن است گفته شود باید این جرم را شامل تمام کسانی دانست که به انجام یک وظیفه عمومی می‌پردازند، اعم از اینکه در بخش خصوصی یا دولتی به‌کار اشتغال داشته باشند. هرچند این برخورد اول مناسب‌تر به نظر می‌رسد لیکن، خود، این اشکال را دارد که منظور از وظایف عمومی که به عامه مردم ارتباط پیدا می‌کند چندان روشن نیست. مثلاً آیا فعالیت‌های یک شرکت سهامی عام را که همه مردم می‌توانند سهام آن را خریداری نمایند، می‌توان

تحت شمول این عنوان دانست؟ معمولاً در دفاع از عدم شمول مقررات راجع به رشوه به کارکنان بخش خصوصی به این نکته اشاره می‌شود که فساد این افراد، در مقایسه با کارکنان بخش دولتی، ضرر کمتری را به جامعه وارد می‌کند. هرچند این سخن را نمی‌توان با قاطعیت رد کرد ولی صحت آن در همه موارد مورد تردید است. برای مثال، در جریان بانک تری کانتیننتال^۱ در استرالیا مبلغ دو میلیون دلار کمیسیون غیرقانونی پرداخت شده بود که آثار بسیار سوئی را بر اعتماد مردم نسبت به فعالیت‌های تجاری برجای گذاشت.^۲

بدین ترتیب، می‌توان به‌طور خلاصه اظهار داشت که جامعه باید بتواند بر صحت عمل کارکنان بخش دولتی و خصوصی اعتماد کند و نباید تصور کرد که تنها فساد کارکنان بخش دولتی زیان‌بار است. بنابراین، باید مقررات راجع به رشوه‌خواری و نیز اخذ کمیسیون‌های غیرقانونی را به همه بر عهده کسانی که انجام وظایفی را، چه در بخش دولتی و چه در بخش خصوصی، بر عهده دارند اِعمال کرده و سپس این موضوع را قاضی گذاشت که در تعیین میزان مجازات، عندالاحتضا، سِمَت و مقام دولتی شخص را به‌عنوان یک عامل مشدده مدنظر قرار دهد. راه دیگر آن است که سِمَت دولتی فرد در خود قانون به‌عنوان یک کیفیت مشدده محسوب گردد، آن چنانکه ماده ۱ «قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری»، مصوب سال ۱۳۶۷، در مورد کلاهبرداری که از زمره کارکنان دولت می‌باشند چنین کرده است^۳ (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۹: ۸۴-۸۳).

شبیه چنین برخوردی «در قانون عقوبات» مصر مشاهده می‌شود که عمل ارتشا را در صورتی که از سوی کارمندان بخش خصوصی انجام گیرد نیز جرم، لیکن آن را از درجه جنحه، به‌جای جنایت، محسوب نموده است،^۴ بدون اینکه از لحاظ عناصر مادی و روانی تفاوت قابل‌ذکری بین جرم جنایی ارتشا (قابل ارتکاب از سوی کارکنان دولت) و جرم جنحه ارتشا (ارتکابی از سوی کارکنان بخش خصوصی) وجود داشته باشد.

سوالی که در مورد شاغلین سِمَت‌های دولتی پیش می‌آید این است که آیا کسی را هم که صرفاً تظاهر به داشتن یک سِمَت دولتی می‌کند، بدون آنکه واقعاً در آن سِمَت شاغل باشد، می‌توان، در صورت اخذ رشوه، مشمول مقررات راجع به ارتشا دانست؟ پاسخ این سؤال در کامن‌لا چندان مشخص نیست و گاه به آن پاسخ مثبت داده شده است. این موضع درست به نظر نمی‌رسد و بهتر است چنین شخصی را، در صورت تحصیل مال از طریق توسل به وسایل متقلبانه، تحت عنوان کلاهبرداری^۵ محکوم کنیم ولی هرگاه مرتکب به هیچ وسیله متقلبانه‌ای متوسل نشده باشد، بلکه صرفاً با علم به اینکه نمی‌تواند کارِ قول داده شده را انجام بدهد، از ارباب‌رجوع پول بگیرد در محکوم کردن وی

1. Tricontinental Bank

2. Discussion Paper on Model Criminal Code (Australia) Chapter 3: Blackmail, Forgery, Bribery and Secret Commissions (July 1994) P. 65.

۴. البته تشدید مذکور در این باره مورد انتقاد نگارنده حاضر است.

۴. ر. ک. ماده ۱۰۶ قانون عقوبات مصر که مقرر می‌دارد، «کُلّ مستخدم طلب لنفسه او لغيره او قبل او اخذ وعداً او عطیة بغیر علم مخدومه و رضانه لاداء عمل من الاعمال المكلف بها او للامتناع عنه يعتبر مرتشياً...»

5. Obtaining property by deception; fraud; swindling.

به ارتکاب جرم ارتشا در کشورهایی مثل کانادا مشکلی وجود نخواهد داشت.^۱ لیکن، در حقوق ایران، چنین اتهامی را، به دلیل کارمند دولت نبودن مرتکب، نمی‌توان به وی وارد کرد. البته احتمال ایراد اتهام تحصیل مال از طریق نامشروع، موضوع ماده ۲ «قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری» به چنین شخصی دور از ذهن نیست.

در همین جا خوب است به این نکته اشاره کنیم که در حال حاضر چند قانون در مورد این جرم در انگلستان وجود دارد که مجموعاً تحت عنوان قوانین راجع به جلوگیری از فساد^۲ از آن‌ها نام برده می‌شود. اولین قانون از میان این سلسله از قوانین، «قانون رویه‌های فسادآلود نهادهای عمومی»^۳ مصوب سال ۱۸۸۹، است. پس از آن، در سال ۱۹۰۶ «قانون جلوگیری از فساد»^۴ وضع شد که مقررات مربوطه را، همان‌طور که قبلاً هم اشاره کردیم، به معاملات خصوصی هم تسری داد. در سال ۱۹۱۶ نیز یک قانون اصلاحی با همان عنوان به تصویب رسید که مجازات این جرم را در مورد مقامات دولتی افزایش داد. بالاخره، آخرین قانون مصوب در مورد جرائم رشاء و ارتشا قانونی است که در سال ۲۰۱۰ در انگلستان به تصویب رسیده است و قبلاً اشاره‌هایی به آن شد.^۵ در قانون دیگری که در انگلستان در سال ۲۰۰۱ تصویب شده است،^۶ اتباع انگلستان حتی به‌خاطر رشوه دادن در خارج از قلمرو انگلستان نیز در این کشور قابل تعقیب و مجازات دانسته شده‌اند.

شرط دوم برای تحقق دو جرم مورد بحث در قانون ایران، جنبه مالی داشتن آن چیزی است که داده و گرفته می‌شود. بنابراین، علاوه بر اینکه چیزهایی که عرفاً یا شرعاً مال محسوب نمی‌شوند (مثل مشروبات الکلی) را ظاهراً و بنا به تفسیر مضیق نمی‌توان از لحاظ حقوق ایران رشوه محسوب کرد (که البته نظر مخالف هم در این مورد وجود دارد) هرگاه کارمند در عوض مقاله‌ای که در تعریف و تمجید از او در روزنامه چاپ می‌گردد، یا نمره قبولی که به او یا فرزندش داده می‌شود، یا رأیی که به نفع او در یک محکمه خانواده صادر می‌شود، یا اینکه فرزندش در مدرسه خوبی ثبت‌نام و یا به خودش شغل خوبی پیشنهاد می‌گردد،^۷ یا دیگری با او ازدواج می‌کند، یا به‌صرف خواهش و درخواست کسی کاری را (برخلاف وظیفه) انجام دهد یا از انجام آن خودداری ورزد، مرتشی محسوب نخواهد شد، همچنان که طرف مقابل نیز در این موارد راشی محسوب نمی‌شود.

این شرط که از به‌کار رفته شدن کلمات و عباراتی چون «وجه» (که منظور از آن پول نقد است و نه مثلاً اسکناس‌های جعلی یا سکه‌های تقلبی)، «مال»، «سند پرداخت وجه یا تسلیم مال»^۸، «ارزان‌تر از قیمت» و «گران‌تر از قیمت»

1. Sinasac (1977) 35 C. C. C (2d) 81 (Ont. C. A.); Ruddock (1978) 25 N. S. R (2d) 77(N.S.C.A.).

2. Prevention of Corruption Acts

3. Public Bodies Corrupt Practices Act, 1889.

4. The Prevention of Corruption Act, 1906.

5. The Bribery Act, 2010.

6. Anti-Terrorism, Crime and Security Act, 2001.

۷. گرفتن شغل به‌عنوان رشوه در بخش ۱۰۸(۱)(a) قانون جزای کانادا صراحتاً مورد اشاره قرار گرفته است.

۸. از مصادیق این اسناد، چک، سفته، برات، حوالجات، کارت‌های اعتباری و بن‌های خرید هستند.

در متن مواد ۳ «قانون تشدید...» و ۵۹۰ «قانون تعزیرات» استنباط می‌شود، موضع قانون ایران را در این مورد قابل انتقاد ساخته است. زیرا، از یک سو، تفکیک بین آنچه جنبه مادی دارد و آنچه فاقد این جنبه است همیشه آسان نیست. در همان مثال‌های ارائه شده در فوق، استخدام فرد، پرداخت حقوق به وی را در پی خواهد داشت. همین طور، فرض کنید ثبت نام در مدرسه یا چاپ مقاله در روزنامه (به شکل به اصطلاح رپرتاژ آگهی) برای همه در قبال پرداخت وجه ممکن باشد، ولی لطفی که در این مورد به کارمند می‌شود نگرفتن پول از او در قبال این خدمات است.

حال آیا در این حالت می‌توان کارمند را مرتشی محسوب کرد؟ اگر طرف مقابل که فرضاً راننده تاکسی است، قبول کند که کارمند را در مقابل کاری که برای او کرده است هر روز به طور رایگان به محل کارش برساند چطور؟ حکم دادن وام قرض الحسنه به کارمند و یا بخشیدن بدهی او یا یکی از اعضای خانواده اش یا پذیرفته شدن وی به داخل سینما یا ورزشگاه بدون خرید بلیت، در مقابل انجام یا عدم انجام کاری از سوی او، چه می‌باشد؟ اگر مقاله چاپ شده باعث ارتقای پست و افزایش حقوق کارمند شود چه حکمی دارد؟

پاسخ به سؤالات فوق چندان آسان نیست. شاید بتوان از به کار رفته شدن قید «غیرمستقیم» در مواد قانونی ایران (که در قانون جزای فرانسه نیز وجود دارد)^۱ استفاده کرده و لااقل برخی از موارد فوق را تحت شمول جرائم رشاء و ارتشا قرار داد. از جمله، به نظر می‌رسد مواردی چون چاپ آگهی یا ثبت نام در مدرسه بدون اخذ وجه، نگرفتن کرایه تاکسی، بخشیده شدن بدهی، پذیرفته شدن در ورزشگاه بدون پرداخت وجه بلیت، یا شرکت دادن فرد در مراسم قرعه کشی که اتفاقاً باعث برنده شدن مبالغ گزافی از سوی او می‌شود، بتواند با استفاده از این تفسیر به معنی اخذ «غیرمستقیم» وجه تعبیر گردد، هر چند که برخی ارائه این تفسیر را از واژه «غیرمستقیم» قبول نداشته و آن را صرفاً شامل گرفتن یا دادن غیرمستقیم مال (مثلاً از طریق همسر یا فرزند کارمند دولت) می‌دانند.

لیکن، مواردی که اساساً جنبه مالی برای آن‌ها متصور نیست، مثل اولویت در ثبت نام در یک مدرسه یا دانشگاه دولتی که در آن پولی برای ثبت نام دریافت نمی‌شود، یا اولویت قائل شدن در انجام معامله با کارمند دولت هر چند به بهای واقعی (در صورتی که خود آن اولویت بخشی جنبه مالی نداشته باشد)، را نمی‌توان، حتی با پذیرفتن تفسیر فوق، تحت شمول مقررات راجع به رشاء و ارتشا قرار داد. همین حکم در مورد استخدام جاری است، زیرا در این گونه موارد حقوقی که مستخدم می‌گیرد چیزی جز اجرت المثل کاری که انجام می‌دهد نیست و نمی‌توان آن را ما به ازای انجام یا عدم انجام کار از سوی کارمند دولت محسوب کرد (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۹: ۹۳-۹۲).

البته نکته ظریفی که در همه این موارد وجود دارد این است که با توجه به اینکه در قانون ایران «پیشنهاد» یا «وعده» اعطا یا اخذ وجه یا مال رشاء یا ارتشا محسوب نشده، بلکه نفس اخذ یا اعطا واجد چنین وصفی است، موارد پیش گفته را، به صرف قولی که به کارمند داده شده است، نمی‌توان، حتی با استناد به قید «غیرمستقیم» مذکور در مواد قانونی،

۱. نگاه کنید به مواد ۱۱-۴۳۲، ۱-۴۳۳ و ۲-۴۳۳ قانون جزای فرانسه، مصوب سال ۱۹۹۲.

تحت شمول مقررات راجع به رشاء و ارتشا قرار داد؛ بلکه عملاً باید آگهی، چاپ یا ثبت نام، انجام یا بدهی، بخشوده یا کارمند، به طور رایگان به داخل ورزشگاه پذیرفته و یا با تاکسی به مقصد رسانیده شده باشد تا بتوان کارمند را در واقع «گیرنده» غیر مستقیم وجه دانسته و احکام کیفری راجع به رشوه را به این موارد بار کرد. بدیهی است، این کار می تواند مؤخر بر انجام یا ترک فعل از سوی کارمند نیز صورت پذیرد، به شرط آنکه انجام یا عدم انجام فعل مورد نظر از سوی کارمند، از یک سو و انجام کارهای مورد اشاره به نفع او، از سوی دیگر، با یکدیگر مرتبط بوده و به عبارت دیگر، یکی در پاسخ دیگری انجام شده باشد و الا، «دادن مبلغی به کارمند دولت به رسم انعام درحالی که کارمند مزبور هیچ نوع مداخله ای در کار نداشته (بدون تقاضای انجام امری یا امتناع از انجام امری که از وظایف او به شمار می آید) رشوه محسوب نخواهد شد و مشمول مقررات دیگر کیفری نیز نخواهد بود.»^۱

بدین ترتیب، اعمال مقررات کیفری راجع به رشوه منوط به وجود نوعی توافق، هرچند ظاهری، بین راشی و مرتشی است و در صورت فقدان این توافق، چه به طور صریح و چه به طور ضمنی، حکم به تحقق رشاء یا ارتشا از نظر حقوق ما مشکل خواهد بود. به همین دلیل، اداره کل حقوقی قوه قضائیه طی یک نظریه مشورتی اظهار داشته است:

«در جرم ارتشا چنانچه متهم به اخذ رشوه به عللی غیر شخصی از جرم انتسابی برائت حاصل نماید، محکوم کردن راشی به همان جرم قابل توجیه نخواهد بود، زیرا بین عمل راشی و مرتشی ملازمه وجود دارد و با انتفای یکی دیگری نیز منتفی می شود.»^۲ (متن، ۱۳۳۰: ۱۲-۱۱)

در برخی از کشورها، مثل انگلستان، چیزی که برای خدمات قبلی فرد، حتی بدون وجود هیچ توافقی، داده شده باشد نیز می تواند رشوه محسوب شود. این موضع مخصوصاً از جهت دور نگه داشتن کسانی که وظایف دولتی مستمری را بر عهده دارند از فساد، مفید به نظر می رسد، به ویژه در مواردی مثل وقتی که کارمند با آگاهی از وضعیت مالی بسامان ارباب رجوع مربوطه و خلق و خوی وی که خدمت دیگران را بدون پاداش نخواهد گذاشت، کاری را، برخلاف وظایفش، برای او انجام می دهد. در پرونده «پارکر»^۳ در انگلستان، پژوهش خواه رئیس یک کمیته صدور جواز ساختمان بود. پس از تصمیمی که در کمیته به نفع یک شرکت ساختمانی اتخاذ شد، آن شرکت پولی به وی پرداخت نمود، بدون اینکه او هیچ تحریک و تشویقی در این زمینه کرده باشد. باین حال وی در دادگاه محکوم شد. البته هرگاه مبلغ دریافتی کم می بود، قطعاً این امر می توانست قرینه ای باشد بر اینکه پول پرداختی رشوه نبوده بلکه صرفاً یک انعام بوده است (Smith, 1994:801).

«قانون ارتشا»، مصوب سال ۲۰۱۰ در انگلستان، صراحتاً دادن یا گرفتن امتیازات و مزایای مالی یا غیرمالی^۴ را

۱. رأی شماره ۲۱۷۰، مورخ ۱۳۱۹/۷/۱۷، شعبه پنجم دیوان عالی کشور.

۲. نظریه مشورتی شماره ۷/۸۷۱۱، مورخ ۱۳۷۴/۱/۲۹، اداره کل حقوقی قوه قضائیه.

3. Parker (1985) Cr. App. R. 69

4. Financial or other advantage.

به‌عنوان پاداشی در قبال کاری که به شکل نادرست انجام شده از مصادیق رشاء و ارتشا دانسته است.^۱

از آنچه در مورد لزوم وجود یک توافق صریح یا ضمنی بین راشی و مرتشی از نظر حقوق ایران گفتیم، نباید استنباط کرد که محکومیت کسی به رشوه گرفتن حتماً مستلزم محکوم کردن دیگری به رشوه دادن است، زیرا چه‌بسا یک طرف، بنا به علل شخصی مثل برخورداری از دفاعی چون اضطرار (مذکور در تبصره ماده ۵۹۲ «قانون تعزیرات»، مصوب سال ۱۳۷۵) یا برخورداری از حق (مذکور در ماده ۵۹۱ «قانون تعزیرات») یا نداشتن عنصر روانی لازم (مثلاً جدی نبودن در اخذ یا اعطای مال، علیرغم تظاهر به آن) از تعقیب کیفری معاف ولی طرف مقابل محکوم شود. در این مورد، دیوان عالی کشور طی رأیی اظهار داشته است:

«... ارتشا عبارت از این است که کارمند دولتی یا مملکتی یا بلدی وجه یا مالی به‌منظور انجام دادن یا انجام ندادن امری که... مربوط به وظیفه اوست از کسی بگیرد و اگر دهنده وجه در حقیقت قصد دادن رشوه را به مشارالیه نداشته باشد، تأثیری در رفع مسئولیت کیفری او ندارد چنانکه بالعکس، اگر کسی به‌منظور انجام وظیفه یا عدم انجام وظیفه... چیزی به کارمند دولتی و مملکتی و بلدی بدهد و محقق شود که گیرنده آن بدون قصد انجام منظور او به اغراض دیگری، از قبیل اطلاع دادن به مقامات مربوطه و اعلام جرم بر دهنده آن، گرفته و به هیچ وجه قصد ارتشا نداشته است، در این صورت دهنده وجه راشی محسوب می‌شود بدون اینکه گیرنده آن مرتشی شناخته شود و به عبارت آخری بین راشی و مرتشی ملازمه دائمی نیست و به‌طور مختلف ممکن است دادن رشوه به وجود عناصر قانونی آن تحقق پیدا کند بدون اینکه مرتشی در بین باشد و بالعکس»^۲ (متن، ۱۳۳۰: ۱۱).

البته اگر متهم به اخذ رشوه، به علل غیرشخصی از جرم انتسابی برانت حاصل نماید (مثلاً به دلیل جنبه مالی نداشتن چیز داده یا گرفته شده در حقوق ایران) محکوم کردن راشی به همان جرم قابل توجیه نخواهد بود، چنانکه اداره کل حقوقی قوه قضائیه طی نظریه مشورتی سابق‌الذکر بر آن تأکید کرده است.^۳

در حقوق انگلستان نیز محکومیت راشی و مرتشی لازم و ملزوم نیست. بدین ترتیب و با توجه به اینکه صرفِ ارائه پیشنهاد رشوه در حقوق انگلستان جرم محسوب می‌شود، هرگاه کسی به دیگری پیشنهاد دادن یا گرفتن رشوه را بدهد ولی او نپذیرد، تنها طرف اول محکوم خواهد شد (Smith, 1994: 806-807).

در حقوق مصر هم امکان تحقق یکی از دو جرم رشاء و ارتشا بدون تحقق جرم دیگر وجود دارد؛ مثل اینکه رشوه‌دهنده در دادن یا پیشنهاد دادن مال جدی نباشد ولی کارمند در درخواست مال یا گرفتن آن کاملاً جدی باشد و یا برعکس (بهنام، ۱۹۸۶ م: ۱۹).

نکته دیگری که موضع قانون ایران را در محدود کردن این جرم به مواردی که یک چیز مادی به کارمند داده می‌شود

1. Bribery Act, 2010, Sections 1(2) (2) and 2(4).

۱. رأی شماره ۱۰۰، مورخ ۱۳۲۲/۶/۱، شعبه دوم دیوان عالی کشور.

۳. نظریه مشورتی سابق‌الذکر به شماره ۷/۸۷۱۱، مورخ ۱۳۷۴/۱/۲۹، از اداره کل حقوقی قوه قضائیه.

انتقادپذیر می‌سازد، آن است که گاه مابازاهای غیرمالی و سوسه‌کننده‌تر و فسادانگیزتر می‌باشند و بنابراین، خارج کردن آن‌ها از شمول مقررات راجع به رشوه صحیح به نظر نمی‌رسد. بدین ترتیب، قوانین سایر کشورها، در بحث از مقررات راجع به رشوه، معمولاً به منافع مالی و غیرمالی اشاره کرده‌اند. مثلاً بر اساس «قانون عقوبات» مصر، بنا به تصریح ماده ۱۰۷، هدیه هر چیزی است که مرتشی از آن فایده‌ای، اعم از مادی یا غیرمادی، حاصل کند. بدین ترتیب، هم فایده مادی (مثل دادن پول که آن را می‌توان یک فایده و نفع مادی مستقیم دانست، یا خریدن ملک کارمند به قیمت بالاتر یا فروختن چیزی به او به قیمت کمتر از قیمت بازار که نفع مادی غیرمستقیم برای او در بر دارد) مشمول عنوان رشاء و ارتشا قرار می‌گیرد و هم فایده غیرمادی (مثل استخدام کردن یکی از خویشاوندان کارمند مربوطه).^۱ جالب اینکه برخی از فقها نیز حتی مدح و ثنا گفتن قاضی را، در صورتی که به انگیزه ترغیب وی به صدور حکم به نفع شخص مدح‌کننده انجام شود، از مصادیق رشوه محسوب نموده‌اند. البته برخی دیگر این عمل را از باب «اعانت بر ظلم» قابل مجازات دانسته‌اند.^۲

در انگلستان، همان‌طور که قبلاً ملاحظه کردیم، قانون مصوب سال ۲۰۱۰ به هرگونه مزایای مالی و غیرمالی^۳ اشاره کرده و محدودیتی برای شمول مزایای غیرمالی قائل نشده است و در نتیجه، به‌طور کامل و کم‌اشکال نگاشته شده و از این لحاظ ابهامات قانون ایران را ندارد. بدین ترتیب، رشوه طبق حقوق انگلستان لزوماً جنبه مالی ندارد و شامل مزایای غیرمالی، از جمله الطاف و توجهات جنسی (بهنام، ۱۹۸۶ م: ۲۲)، به شرط آنکه منظور از آن‌ها اغوای طرف یا پاداش دادن به وی باشد، هم می‌شود. این مطلب در آمریکا در پرونده «شکات علیه سیتی»^۴ در سال ۱۹۲۳ مورد تأیید دادگاه قرار گرفت. البته این پرونده به اخذ رشوه توسط اشخاص غیردولتی مربوط می‌شد که به‌موجب بخش (۱) ۱ «قانون جلوگیری از فساد»،^۵ مصوب سال ۱۹۰۶، جرم شناخته شده است. در قانون اخیرالذکر، اصطلاح «مابه ازای»^۶ به‌کار رفته است. در پرونده مورد اشاره، متهم به زنی گفته بود که هرگاه آن زن وی را همراهی کرده و اوقات خوشی را برای وی رقم زند او پدر آن زن را در گرفتن جواز نوشابه‌فروشی یاری خواهد کرد. دادگاه عالی اوهایو مقرر داشت که الطاف جنسی نیز می‌تواند مصداق «چیز ارزشمندی»^۷ که به‌عنوان رشوه داده می‌شود باشد.

در پرونده دیگری در سال ۱۹۹۸ در آمریکا، متهمی پس از قول دادستان در مورد برخورد ملایم‌تر با وی در صورت شهادت دادن علیه متهم دیگر، علیه آن متهم شهادت داد و در نتیجه، فرد اخیرالذکر بر اساس آن شهادت

۱. نگاه کنید به بخش‌های (۱) و (۲) قانون فوق‌الذکر و نیز بخش (۱) ۴۷ قانون عدالت کیفری مصوب سال ۱۹۸۸.

۲. از جمله، نگاه کنید به نقل قول آیت‌الله عبادی... جوادی آملی از صاحب جواهر در روزنامه همشهری، مورخ ۱۳۹۰/۴/۲۱، دایر بر این که «صاحب جواهر فتوی می‌دهد احترام و تجلیل کردن‌های بیخود و بی‌حساب و کتاب اگر مورد پسند قاضی قرار گیرد، رشوه محسوب می‌شود.»

3. Financial or other advantage

4. Scott V. State 141 N. E. 19 (1923)

5. The Prevention of Corruption Act, 1906

6. Consideration

7. Something of value

محکوم شد. وکیل شخص محکوم شده در اعتراض به محکومیت وی اظهار داشت که چون در قبال ادای شهادت شاهد «چیز ارزشمندی» به وی پیشنهاد شده است، این هم نوعی رشوه می‌باشد و در نتیجه، محکومیت مبتنی بر چنین شهادت فاقد ارزشی نمی‌تواند معتبر باشد. این نظر در دادگاه بدوی پذیرفته، ولی در مراحل بعدی رأی دادگاه قبلی نقض شد و محکومیت متهم مجدداً مورد ابرام قرار گرفت و در واقع، قول مساعد دادستان به متهم برای ادای شهادت علیه دیگری مشمول مقررات راجع به رشوه دادن دانسته نشد. لیکن در پرونده‌ای^۱ که در آن، علاوه بر قول برخورد مساعدتر، پرداخت مبلغ ۱۰۵۰۰۰ دلار نیز به متهم قول داده شده بود دادگاه، هر چند قول برخورد مساعدتر را «چیز ارزشمند» و در نتیجه، رشوه محسوب نکرد، پیشنهاد پرداخت پول را رشوه دانسته و شهادت داده شده متعاقب آن را بی‌ارزش دانست.

کلمه مابازا، مذکور در قانون مصوب سال ۱۹۰۶ انگلستان واژه‌ای عام است و بنابراین، نه تنها مشتمل بر توجّهات و الطاف جنسی، بلکه حتی در برگیرنده مواردی نیز دانسته شده است که فرد گیرنده قصد دادن چیزی در مقابل آنچه گرفته است را داشته باشد. بدین ترتیب، در پرونده «بریثویت»^۲ در سال ۱۹۸۳ که در آن مدیران شرکت فولاد انگلستان^۳ به دریافت رشوه برای خود (که عبارت از گرفتن لاستیک خودرو و تعمیر خودروهای شخصی آن‌ها بود) از شرکت‌های طرف قرارداد متهم شده بودند، این دفاع آن‌ها که قصد پرداخت پول این اجناس و خدمات را داشته‌اند پذیرفته نشد. دادگاه بین «هدیه» و «عوض یا مابازا» تفکیک قائل شد و با قبول تعریف سنتی که از عوض در حقوق مدنی (قراردادها) می‌شود^۴ این مطلب را محرز دانست که در هر حال آنان در مقابل آنچه داده‌اند چیزی دریافت داشته‌اند (Smith, 1994:800).

در مورد بهره‌مندی جنسی و قبول آن به عنوان «مابازا» برای تحقق جرائم رشاء و ارتشا، این بحث در همه نظام‌های کیفری که در آن‌ها فایده اعطا یا پیشنهاد شده به مرتشی لزوماً نباید جنبه مالی و مادی داشته باشد، بین حقوقدانان مطرح شده است که آیا بهره‌مندی جنسی را می‌توان موجب تحقق جرائم رشاء و ارتشا دانست؟ مانثینی، حقوقدان ایتالیایی، معتقد است که در رابطه جنسی لزوماً فایده‌ای به یک طرف و ضرری به طرف مقابل که اساس جرائم رشاء و ارتشا را تشکیل می‌دهد، نمی‌رسد، بلکه رابطه جنسی در واقع بهره‌مندی مشترکی برای طرفین است. بنابراین، به نظر وی، این‌گونه موارد را نمی‌توان موجب تحقق عناوین رشاء و ارتشا دانست، مگر آنکه بنا باشد کارمند در مقابل این رابطه پولی را پرداخت نماید و این پول، به عنوان رشوه، از سوی ارباب رجوع به وی بخشیده شود.^۵ از سوی دیگر، عده‌ای معتقدند که در هر حال همین که کارمند طالب چنین رابطه‌ای بوده است نشانگر آن است که این رابطه برای

1. U.S. V. Medina, 1999.

2. Braithwaite and Girdham [1983] 1 W. L. R. 385.

3. British Steel Corporation

۴. در تعریف سنتی، عوض را متشکل از حق، سود یا فایده‌ای برای یک طرف □ و یا خودداری از □ انجام کار، ضرر یا مسئولیتی برای طرف □ مقابل می‌دانند. ر. ک. Currie V. Misa (1875) L. R. 10 Exch, 153, 1

5. Manzini, Trattato di Diritto Penale Italiano (Torino) Vol. 5, P. 168

وی سودبخش بوده و وی را به یک نفع غیرمادی می‌رسانده است (بهنام، ۱۹۸۶ م: ۲۳). دادگاه تجدیدنظر ایتالیا در تأیید این موضع رأیی صادر کرده است.^۱

سومین نکته قابل ذکر در بحث از شرایط تحقق جرائم رشاء و ارتشا آن است که هرچند جنبه مالی و مادی داشتن آنچه داده و گرفته می‌شود شرط تحقق این جرائم در حقوق ایران می‌باشد، لیکن در اینجا نیز، مثل مواردی چون کلاهبرداری، سرقت تعزیری، خیانت‌درامانت و سایر جرائمی که موضوع آن‌ها را «مال» تشکیل می‌دهد، میزان و ارزش اقتصادی مالی که به‌عنوان رشوه داده شده است تأثیری از لحاظ حقوق ایران، برخلاف حقوق آمریکا، در مسئولیت کیفری مرتکب ندارد و فقط در میزان مجازات وی طبق ماده ۳ «قانون تشدید...» مؤثر می‌باشد. لیکن، در قوانین آمریکا معمولاً در این مورد نیز، مثل سرقت، ارزش مال بر مسئولیت کیفری مرتکب از لحاظ نوع جرم ارتكابی تأثیر ماهوی می‌گذارد. برای مثال، بخش (۳) ۲۰۰ «قانون جزای» ایالت نیویورک، پیشنهاد یا اعطای رشوه به مقدار بیش از ده هزار دلار را جنایت از درجه C می‌داند، درحالی‌که اگر مقدار کمتر از این باشد، طبق بخش ۲۰۰، جرم ارتكابی یک جنایت از درجه D خواهد بود.

به نظر می‌رسد هرگاه مال ارزش بسیار کمی داشته باشد، به‌طوری‌که نتوان آن را نسبت به‌کار مورد انتظار اغوا کننده دانست، مثل اینکه ارباب رجوع مُشتی پسته یا یک جعبه شیرینی و یا یک بسته کبریت را به کارمند دولت بدهد، نتوان احکام کیفری حقوق ایران راجع به رشاء و ارتشا را در چنین موردی اعمال کرد. همین موضع در حقوق انگلستان پذیرفته شده است.^۲ در یک پرونده قدیمی در انگلستان^۳، قاضی مربوطه^۴ اظهار داشت که وی سوگند یاد کرده است از هیچ طرف دعوی هدیه‌ای را نپذیرد، مگر آنکه آن هدیه خوردنی یا نوشیدنی با بهای اندک باشد.^۵

نکته چهارم اینکه پنهانی بودن عمل دادن یا گرفتن مال از جمله شرایط تحقق جرائم رشاء و ارتشا نیست. بنابراین، حتی در صورت علنی بودن این کار نیز جرائم مورد بحث، با وجود سایر شرایط، ارتکاب می‌یابند. پنهانی بودن تنها ممکن است قرینه‌ای باشد برای احراز سایر شرایطی که جهت تحقق عناصر مادی و روانی جرم لازم هستند، مثلاً اینکه منظور دهنده اعطای رشوه و نه صرفاً هدیه دادن بوده است. موضع مشابهی در حقوق انگلستان اتخاذ شده است (Smith, 1994:803).

پنجمین نکته قابل ذکر این است که آنچه داده یا گرفته می‌شود لازم نیست برای خود مرتکب داده یا گرفته شود، بلکه حتی اگر او آن را برای شخص ثالثی هم داده یا بگیرد کفایت می‌کند. این نکته قابل ذکر است که در حقوق مصر، هرچند درخواست چیزی از سوی کارمند، به‌موجب نص ماده ۱۰۳ «قانون عقوبات»، می‌تواند برای شخص ثالث هم انجام گیرد، لیکن برخی از حقوقدانان مصری معتقدند که در چنین حالتی باید فایده‌ای برای شخص کارمند متصور

1. Cass. 26 Ottobre 1949 Giur. Comp. Cass 1949, 4853

2. See, for example, Woodward V. Maltby [1959] V. R. 794

3. Bodmin Case (1869) 1 O'M&H 121.

4. Willes J

5. Blackstone's Guide to the Bribery Act, 2010 (Oxford University Press, 2010) P.12.

باشد و در صورت عدم تصوّر چنین فایده‌ای حکم به تحقّق ارتشا مشکل خواهد بود (مثل اینکه وی از طرف مقابل مساعدت به یک شخص نیازمند یا کمک به یک مؤسسه خیریه را که خود هیچ نفعی در آن ندارد، درخواست نماید) (محمدسلامه، ۱۹۸۲ م: ۱۰۹ - ۱۰۸) این عقیده در حقوق ایران پذیرفتنی به نظر نمی‌رسد. البته، شاید هم بتوان چنین موردی را مشمول ماده ۶۰۰ «قانون تعزیرات»، مصوب سال ۱۳۷۵، دانست که مطابق آن:

«هریک از مسئولین دولتی و مستخدمین و مأمورینی که مأمور تشخیص یا تعیین یا محاسبه یا وصول وجه یا مالی به نفع دولت است، برخلاف قانون یا زیاده بر مقررات قانونی اقدام و وجه یا مالی اخذ یا امر به اخذ آن نماید، به حبس از دو ماه تا یک سال محکوم خواهد شد... و درهرحال، آنچه برخلاف قانون و مقررات اخذ نموده است به ذی‌حق مسترد می‌گردد.»

نکته ششم آنکه برای تحقّق جرائم رشاء و ارتشا، باید اخذ یا اعطای وجه، مال یا سند و یا انجام معامله صوری «برای انجام دادن یا انجام ندادن امری که مربوط به سازمان‌های مزبور»، یعنی سازمان‌های مورد اشاره در ماده ۳ «قانون تشدید...»، است انجام گرفته باشد، «اعم از اینکه امر مذکور مربوط به وظایف آن‌ها بوده یا آنکه مربوط به مأمور دیگری در آن سازمان باشد.» بدین ترتیب، هرگاه کاری که کارمند انجام یا عدم انجام آن را بر عهده می‌گیرد، ربطی به وظایف سازمانی که وی در آن کار می‌کند نداشته باشد، مثل اینکه یک کارمند وزارت امور خارجه از کسی بابت تسهیل روند صدور پروانه ساختمان وی در شهرداری وجوهی را اخذ نماید، حکم به ارتکاب رشاء و ارتشا ممکن نخواهد بود. همین‌طور «اگر پدری موقع گرفتن شناسنامه برای پسرش دیگری را به جای او به مأمور ثبت‌احوال نشان دهد و همین که مأمور متوجه شود مبلغی به او بپردازد که این مطلب را اظهار نکند، چون وجه مزبور برای اقدام به امری یا امتناع از امری که از وظایف مستخدمین باشد داده نشده، بنابراین عمل مشمول عنوان رشوه نخواهد بود.»^۱ (متن، ۱۳۳۰: ۱۰).

در استرالیا نیز کسی که به مأمور پلیس برای از بین بردن مدرک خاصی پول داده بود، راشی محسوب نشد، بلکه تنها به‌خاطر دخالت در روند صحیح اجرای عدالت محکوم گشت، زیرا وظیفه پلیس از بین بردن مدارک نیست.^۲ همین‌طور، در یک پرونده اسکاتلندی متهم که در مقابل قول استفاده از نفوذ خود بر روی دیگری مبلغ شش صد پوند گرفته بود، محکوم به رشوه‌خواری نشد.^۳

از سوی دیگر، همین که کار جزء وظایف سازمان محل اشتغال کارمند باشد، حتی اگر وظیفه سازمانی مستقیم او را تشکیل ندهد، کفایت می‌کند؛ مثل اینکه قاضی نه برای امر قصا بلکه برای اینکه ترتیب استخدام کسی را در سازمان محل اشتغالش بدهد از او پول بگیرد. دیوان عالی کشور در یکی از آرای خود اظهار داشته است که «دادن

۱. رأی شماره ۷۸۵، مورخ ۱۳۱۷/۰۳/۳۱، شعبه ۲ دیوان عالی کشور.

2. R V. David [1931] QWN 2

3. HM Advocate V. Dick, 1901 3F (CT of Sess) 59.

وجه به مستخدم دولت برای انجام و یا عدم انجام کاری رشوه است، اعم از اینکه انجام و یا عدم انجام آن کار در اختیار وظایف مستخدم مزبور باشد یا داخل در وظایف مستخدم دیگر دولت باشد» (متین، ۱۳۳۰: ۱۲). در حال حاضر با توجه به صراحت ماده ۳ «قانون تشدید...» که ماده ۵۹۲ «قانون تعزیرات» نیز به آن ارجاع داده است، به نظر می‌رسد که این رأی تنها در صورتی می‌تواند درست باشد که «مستخدم دیگر» مورد اشاره در رأی از شاغلین در همان سازمان متبوع رشوه‌گیرنده باشد. البته ابهامی که در این مورد وجود دارد، تعریف «سازمان متبوع» است. برای مثال، آیا مناطق مختلف شهرداری یا مجتمع‌های قضایی مختلف تهران و شهرستان‌ها را می‌توان مجموعاً یک «سازمان» دانست؟

مثلاً، هرگاه کارمند یک منطقه شهرداری برای کاری که مربوط به منطقه دیگری از شهرداری است، یا قاضی یک مجتمع برای کاری که مربوط به مجتمع قضایی دیگر یا مسئولان عالی قضایی است وجه یا مالی را دریافت کند، آیا می‌توان رشاء و ارتشا را محقق دانست؟ بعید نیست که چنین باشد و بتوانیم این موارد را رشاء و ارتشا بدانیم. زیرا آن مجموعه از لحاظ مقررات اداری یک سازمان محسوب می‌شود، هرچند که در راستای تسهیل امور و کارها تقسیم‌بندی‌های جزئی‌تری در درون مجموعه صورت گرفته است. همان‌طور که ماده ۱۱۸ «قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح»، مصوب سال ۱۳۸۲ که راجع به ارتکاب ارتشا از سوی نظامیان است، درواقع کل نیروهای مسلح را سازمان واحدی دانسته است. البته برخی ترجیح می‌دهند که موارد پیش‌گفته را به‌جای ارتشا مشمول عنوان اعمال نفوذ، بدانند، زیرا شهرداری‌های مناطق مختلف یا مجتمع‌های قضایی مختلف را سازمان واحدی محسوب نمی‌کنند. در حقوق انگلستان، طبق «قانون ارتشا»، مصوب سال ۲۰۱۰، رشوه باید برای انجام نامناسب یا عدم انجام یک وظیفه مرتبط اعطا یا تعهد شده باشد و آن زمانی رخ می‌دهد که از فرد انتظار می‌رود آن کار را صادقانه یا بی‌طرفانه یا به‌عنوان امین انجام دهد.

سؤال دیگری که در اینجا ممکن است پیش آید این است که آیا پرداخت پول به یک مأمور دولت برای بازداشتن وی از انجام یک کار غیرقانونی علیه فرد را می‌توان رشاء یا ارتشا دانست؛ مثل اینکه یک افسر راهنمایی و رانندگی برای خودداری از صدور ناحق برگه جریمه علیه راننده‌ای از او پول بگیرد؟ دادگاه‌های انگلستان به این سؤال پاسخ منفی داده‌اند. موردی هم که طی آن دو مأمور پلیس در هنگ‌کنگ به کسی نزدیک شده و او را به دروغ به فروش هروئین متهم نموده و سپس از او پولی گرفته و وی را رها کرده بودند، رشوه‌خواری محسوب نشد، زیرا انجام این‌گونه کارها جزئی از وظایف پلیس نبوده و این کار می‌توانسته است توسط هر فرد معمولی نیز انجام گیرد.^۱

در برخی از کشورهای برخوردار از نظام کاملاً، از جمله در بسیاری از ایالات آمریکا و بعضی از ایالات استرالیا، این عمل نوع خاصی از اخاذی محسوب و extortion نامیده می‌شود. در انگلستان و بسیاری از ایالات استرالیا، همان مقررات عام راجع به اخاذی (blackmail) در چنین مواردی قابل اعمال می‌باشد و عنوان خاصی برای ارتکاب این

1. Att - Gen. for Hong Kong V. Ip Chiu [1980] A. C. 663.

عمل از سوی مأموران دولت پیش‌بینی نشده است.^۱ البته باید اذعان کرد که مرز بین اخاذی و رشوه‌گیری، همیشه واضح نیست.

در حقوق ایران، با توجه به تصریح ماده ۳ «قانون تشدید...» به اینکه تفاوتی نمی‌کند انجام کار مورد نظر «بر طبق حقانیت و وظیفه بوده یا نبوده باشد»، محکوم کردن مرتکب به ارتشا بعید به نظر نمی‌رسد، هرچند طرف مقابل، به استناد ماده ۵۹۱ «قانون تعزیرات»، از تعقیب کیفری معاف خواهد بود.

نکته هفتم قابل ذکر آن است که صرف اینکه مرتکب در مقابل اخذ مال، کاری بیش از حد وظایف اداری اش برای طرف مقابل انجام داده است، باعث معافیت وی از مسئولیت کیفری در قبال جرم ارتشا نخواهد شد. فرض کنید، نوبت رسیدگی به پرونده کسی، طبق روال عادی اداری، چند هفته بعد است ولی مسئول مربوطه، با گرفتن پول از او، پرونده را به منزل برده و کارهای مربوط به آن را در خارج از ساعات اداری انجام می‌دهد، بدون اینکه به حق ارباب رجوع دیگری لطمه و صدمه‌ای وارد آورد. در این حالت نیز، به عقیده نگارنده، محکوم کردن وی به ارتکاب ارتشا ممکن به نظر می‌رسد. همین موضع در حقوق کانادا پذیرفته شده است.^۲ عدم پذیرش چنین موضعی، به معنی باز گذاشتن باب سوءاستفاده برای کارمندان دولت، به بهانه انجام کار در خارج از ساعات اداری، است.

نکته هشتم اینکه مقدم بودن اخذ مال نسبت به انجام کار مورد انتظار مرتشی ضرورتی ندارد، بلکه اخذ مال می‌تواند پس از انجام کار مورد انتظار نیز صورت گیرد ولی در هر حال به نظر می‌رسد از نظر حقوق ایران باید نوعی توافق، هرچند ظاهری، در این مورد وجود داشته باشد و به عبارت دیگر، کار مورد انتظار در قبال دریافت وجه یا مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مال انجام گرفته باشد. در این مورد، یک رأی دیوان عالی کشور که قبلاً هم مورد اشاره قرار گرفت، قابل توجه است که به موجب آن، «دادن مبلغی به کارمند دولت به رسم انعام، درحالی که کارمند مزبور هیچ نوع مداخله‌ای در کار نداشته (بدون تقاضای انجام امری یا امتناع از انجام امری که از وظایف او به شمار آید) رشوه محسوب نخواهد شد و مشمول مقررات دیگر کیفری نیز نخواهد بود.»^۳

در مورد موضع حقوق انگلستان در این مورد قبلاً توضیحاتی ارائه شد که اعطای امتیاز مالی یا غیرمالی به عنوان پاداش^۴ کار قبلاً انجام شده نیز کفایت می‌کند و موجب تحقق عناوین مجرمانه رشاء و ارتشا خواهد شد.

۳-۶. نتیجه مجرمانه

سومین جزء عنصر مادی عبارت از نتیجه حاصله از رفتار فیزیکی است. از این جهت، جرائم رشاء و ارتشا از زمره جرائم مطلق و نه مقید محسوب می‌شوند. به عبارت دیگر انجام دادن یا ندادن کاری که بابت آن رشوه داده و گرفته شده

1. Discussion Paper on Model Criminal Code (Australia) Chapter 3: Blackmail, Forgery, Bribery and Secret Commissions (July 1994) P. 59

2. Dore (1974) 15 C. C. C (2d) 542 (S. C. C.)

۳. رأی شماره ۲۱۷۰ از شعبه پنجم دیوان عالی کشور.

4. Reward

است و نیز اینکه آیا رشوه داده شده در انجام یا عدم انجام آن کار مؤثر بوده است یا خیر، بنا به تصریح ماده ۳ «قانون تشدید...»، مؤثر در مقام نیست.^۱ به علاوه، همان طور که قبلاً اشاره کردیم، مهم نیست که آیا کارمند مورد نظر در انجام یا عدم انجام آن کار یا را از محدوده وظایف سازمانی خود بیرون گذاشته و قانون را نقض کرده است یا خیر. «قانون عقوبات» مصر بین حالتی که کارمند برای انجام وظیفه اش یا انجام آنچه فکر می کند جزء وظایفش می باشد رشوه می گیرد^۲ و حالتی که برای عدول از انجام وظیفه رشوه می گیرد^۳ فرق قائل شده و برای حالت دوم مجازات شدیدتری را تعیین کرده است.^۴ این تفکیک معقول به نظر می رسد، زیرا ضرر وارده به مصالح عمومی کشور در حالت دوم شدیدتر و بیشتر است.

۷. عنصر روانی جرائم رشاء و ارتشا

علیرغم اینکه قانون گذار ایران تنها در ماده ۵۹۲ «قانون تعزیرات»، راجع به رشاء، قیود «عالماً و عامداً» را به کار برده و در ماده ۳ «قانون تشدید...»، راجع به ارتشا، ذکر از این قیود به میان نیاورده است، تردیدی وجود ندارد که برای تحقق هر دو جرم، مرتکب باید از روی عمد و اختیار مالی را از دیگری گرفته (ارتشا) و یا به او داده باشد (رشاء). بنابراین، هرگاه این کار در حال خواب و بی اختیاری و مستی صورت گیرد، مرتکب فاقد مسئولیت کیفری خواهد بود. به علاوه، مرتکب یا مرتکبان باید نسبت به موارد زیر عالم باشند:

اول اینکه راشی و مرتشی از سمت مرتشی به عنوان کارمند دولت مطلع باشند و الا اگر بدون اطلاع آن ها برای گیرنده وجه ابلاغ کارمندی دولت صادر شده باشد (مثل اینکه مرتشی قبلاً از خدمت دولت منفصل گشته و سپس، به خدمت اعاده شده ولی خود یا فرد رشوه دهنده هنوز از این حکم جدید مطلع نباشد) فرد جاهل را نمی توان به ارتکاب یکی از دو جرم رشاء یا ارتشا محکوم کرد. البته صرف این نکته که مرتکب جهل حکمی داشته و از شمول قانون نسبت به خود ناآگاه باشد (مثلاً نداند که کارکنان شهرداری ها نیز تحت شمول قوانین راجع به ارتشا قرار می گیرند)، نمی تواند موجب گریز وی از مسئولیت کیفری به استناد جهل به قانون گردد.

در حقوق کانادا، علم راشی نسبت به سمت طرف ضروری است، زیرا وی باید قصد فاسد کردن کارمند دولت را داشته باشد،^۵ ولی به نظر می رسد علم وی به اینکه گیرنده چه شغل و سمت خاصی دارد ضروری نباشد.^۶ همان طور

۱. در این مورد، نگاه کنید به دعای کانادایی «سیناساک» و «راداک» که قبلاً در همین فصل مورد اشاره قرار گرفتند، مذکور در:

A. W. Mewett & M. Manning, Criminal Law, P. 459

۲. نگاه کنید به مواد ۱۰۳ و ۱۰۳ مکرر قانون عقوبات مصر.

۳. نگاه کنید به ماده ۱۰۴ قانون عقوبات مصر.

۴. جهت تفصیل، ر. ک. مأمون محمد سلامه، قانون العقوبات: القسم الخاص - الجرائم المضرة بالمصلحة العامة (قاهرة: دارالفکر العربی، ۸۲ - ۱۹۸۱ میلادی) ص ۹۹. نیز ر. ک. رمسیس بهنام، الجرائم المضرة بالمصلحة العمومية، ص ۲۶ که به برخی از احکام محاکم مصر نیز اشاره کرده است، از جمله: نقض ۲۰ يناير ۱۹۴۸ مج القواعد ح ۷ رقم ۵۱۱، ص ۴۶۶ ونقض ۷ مايو ۱۹۵۱ مج س ۲ رقم ۳۸۰، ص ۱۰۴۳.

5. Smith (1921) C. C. C. 21 (Ont. C. A.) p. 22

6. O'Brien (1919) 32 C. C. C. 46 (Alta. C. A.)

که در حقوق ایران نیز دانستن سِمَت دقیق کارمند (که مثلاً رئیس است یا معاون و یا یک کارمند ساده) ضرورت ندارد.

ثانیاً، مرتکب باید بداند که وجه یا مال یا سند در قبال انجام دادن یا ندادن امری که مربوط به سازمان متبوع گیرنده آن است داده می‌شود، و آلا شخصی که تصور می‌کند مال به عنوان بازپرداخت دین یا ودیعه یا هدیه منزل نو یا فرزند تازه متولد شده به وی داده شده است، مسئولیت کیفری نخواهد داشت.

نکته قابل ذکر در مورد شرط پیش گفته این است که در برخی از کشورها آن را با اِعمال یک ضابطه نوعی یا عینی احراز می‌کنند. برای مثال، دادگاه عالی بلژیک در سال ۱۹۹۸ میلادی، دبیرکل سابق ناتو^۱ را به اتهام فساد و اخذ رشوه به سه سال حبس تعلیقی و پنج سال محرومیت از کار دولتی محکوم کرد. دادگاه اظهار داشت که وی باید می‌دانسته است، پولی که از سوی آگوستا (یک شرکت هلیکوپتر سازی ایتالیایی) قبل از برنده شدن این شرکت در یک مناقصه پرداخت شده رشوه بوده است.^۲

سوالی که در دو مورد فوق‌الذکر پیش می‌آید این است که هرگاه کارمند دولت در لحظه اخذ مال اطلاعی از سِمَت کارمندی خود یا از اینکه مال در قبال انجام دادن یا ندادن امری که مربوط به سازمان محل اشتغال اوست داده شده نداشته باشد ولی بعداً از این امر آگاه شود، آیا می‌توان وی را، در صورت عدم استرداد مال به دهنده آن، مرتشی محسوب کرد؟ برخی از حقوقدانان مصری به این سؤال پاسخ مثبت داده و معتقدند که در همان لحظه‌ای که کارمند دولت این آگاهی را پیدا کرده ولی مال را مسترد نمی‌دارد، عناصر مادی و روانی جرم تکمیل و وی مرتشی محسوب می‌شود.^۳ لیکن، به نظر می‌رسد در چنین حالتی، به دلیل عدم تقارن زمانی عناصر مادی و روانی جرم، نمی‌توان مرتکب را مرتشی دانست. در مورد راشی نیز همین قضیه صادق است. بنابراین، کسی را که نسبت به یکی از دو موضوع سابق‌الذکر ناآگاه می‌باشد ولی پس از دادن مال و آگاهی یافتن از آن‌ها اقدامی برای پس گرفتن مال یا گزارش کردن موضوع به مقامات صالحه به عمل نمی‌آورد، نمی‌توان راشی دانست (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۹: ۲۸۳-۲۸۲). علی‌رغم عدم تصریح ماده ۳ «قانون تشدید...»، به نظر می‌رسد احراز قصد مرتشی دایر بر اینکه در مقابل آنچه می‌گیرد کاری مورد انتظار راشی را انجام دهد ضرورت نداشته باشد. بنابراین، حتی اگر کارمند قصد نداشته باشد که کار مورد انتظار را انجام دهد، صرف اینکه مال را به این بهانه می‌گیرد کفایت می‌کند، ولی اگر اساساً مال را به بهانه دیگری بگیرد مرتشی محسوب نمی‌شود. همین موضوع در حقوق کانادا و بسیاری از کشورهای دیگر پذیرفته شده

1. Willy Claes

2. Financial Times, 24. 12. 1998, Cited in Bulletin of Legal Developments, issue No 1, 25 January 1999

۳. از جمله، مأمون محمد سلامه در کتاب قانون العقوبات: القسم الخاص می‌گوید: «... فالذی يتسلم عطية أو هدية دونان يعلم بصفاتها أو بسببها ثم يعلم بعد ذلك بأنها مقابل للعمل الوظيفي أو الامتناع عنهنّ الجريمة يبدأ تحقيقها من تلك اللحظة إذا لم يتوقف الموظف برد العطية أو تبلغ السلطات».

است.^۱ «قانون عقوبات» مصر نیز، در ماده ۱۰۴ مکرر، همین موضع را به صراحت پذیرفته است.^۲ دادگاه‌های انگلستان هم اظهار داشته‌اند متهمی که ضمن گرفتن پول قصد انجام یا عدم انجام کاری را به نفع دهنده نداشته است مرتشی محسوب می‌شود، به شرط آنکه از قصد دهنده پول دایر بر اینکه بدین ترتیب وی را به انجام یا عدم انجام کاری اغوا نماید، آگاه باشد.^۳

در حقوق انگلستان، برای توصیف عنصر روانی جرم ارتشا، قید «از روی فساد» یا «فسادآلود»^۴ مورد استفاده قرار گرفته است ولی جهت تسهیل امر اثبات این جرم که همان‌طور که قبلاً اشاره شد معمولاً تنها شاهد آن طرف دیگری است که خود نیز مجرم محسوب می‌شود، فسادآلود بودن^۵ رابطه در بخش دوم «قانون جلوگیری از فساد»^۶، مصوب سال ۱۹۱۶، در مواردی که یک قرارداد دولتی موضوع رشوه بوده مفروض انگاشته شده و این وظیفه مرتکب است که دلالی را برای رد این فرض قانونی اقامه کند (Smith, 1994:804). در بعضی از کشورهای دیگر برخورد از نظام کامن‌لا از قیودی مثل «از روی سوءنیت»^۷ یا «به‌طور نامناسب»^۸، برای توصیف عنصر روانی جرائم رشاء و ارتشا، استفاده شده است.

این نکته نیز قابل ذکر است که دادگاه‌های انگلستان گاه این عذر را که قصد مرتکب از گرفتن یا دادن رشوه صرفاً افشای طرف مقابل بوده است نپذیرفته‌اند. برای مثال، در پرونده «اسمیت»^۹ متهم به دلیل پیشنهاد رشوه دادن به مأمور دولت برای صدور جواز افتتاح پمپ‌بنزین در زمین همسرش محکوم شد و دفاع وی دایر بر اینکه این کار را صرفاً برای افشای کردن فساد مأمور مورد بحث کرده است پذیرفته نشد. متهم این پرونده کسی بود که خود اقدامات تبلیغاتی بسیاری را علیه فساد مأموران دولتی سازمان داده بود. بعضی از حقوق‌دانان انگلیسی، به استناد اینکه در این مورد متهم در واقع قصد جدی برای فاسد کردن مأمور را نداشته، بلکه فقط می‌خواسته است فساد او را افشا نماید، این تصمیم را مورد انتقاد قرار داده‌اند (Smith, 1994:807) و لااقل در یک مورد تصمیم مخالفی از سوی دادگاه‌های انگلستان اتخاذ شده است.^{۱۰} البته، به نظر می‌رسد حتی با معاف دانستن فردی که تظاهر به دادن رشوه کرده است، در صورتی که مأمور وجه یا مالی را از فرد بگیرد، مرتشی محسوب کردن وی بلااشکال خواهد بود. چنانکه اداره کل حقوقی قوه

1. See: Mewett and Manning, Criminal Law, P. 459; S V. Van Der Westhuizen 1974 (4) SA 61; S V. Ernst (1963) 3 SA 666

۲. مطابق ماده ۱۰۴ مکرر، «کل موظف عمومی طلب لنفسه او لغيره او قبل او اخذ وعداً أو عطية لاداء عمل من اعمال وظيفته او يترفع خطأ او يزعم انه من اعمال وظيفته او للامتناع عنه او للاخلال بواجبات الوظيفة، يعاقب بعقوبة الرشوة المنصوص عليها في المواد الثلاثة السابقة حسب الاحوال حتى ولو كان يقصد عدم القيام بذلك العمل او عدم الامتناع عنه او عدم الاخلال بواجبات الوظيفة»

3. Carr [1957] 1 W. L. R. 165; Mills (1978) 68 Cr. App. R. 154

4. corruptly

5. presumption of corruption

6. Prevention of Corruption Act, 1916

7. dishonestly

8. improperly. See; Discussion Paper of Model Criminal Code (Australia), Chapter 3, PP.68-69.

9. Smith [1960] 2 Q. B. 423

10. Mills (1978) 68 Cr. APP. R. 154.

قضائیه در پاسخ به استعلامات مختلف سازمان قضایی نیروهای مسلح، حتی در مواردی که پرداخت وجه از سوی مأمورین یا ضابطین قضایی به قصد ارزیابی کار مأموران انجام شده باشد، مأمور دریافت کننده را مرتشی دانسته است.^۱ طبعاً عکس قضیه هم صادق و آن وقتی است که گیرنده فاقد قصد اخذ رشوه ولی دهنده واجد قصد دادن رشوه است.

در آمریکا در یکی از پرونده‌های معروف^۲ در سال ۱۹۸۲، هرچند فیلم یک نماینده کنگره به نام مایرز،^۳ درحالی که قول می‌داد نسبت به ارائه لایحه مربوط به مهاجرت در قبال اخذ پنجاه هزار دلار اقدام نماید، گرفته شده بود وی در مقام دفاع از خود اظهار می‌داشت که تنها تظاهر به این امر می‌کرده و هیچ‌گاه قصد انجام قول خود را نداشته است. دادگاه این ادعای وی را رد کرده و اظهار داشت که منظور از «توافق»، اشاره به نیت واقعی مرتشی نیست، بلکه اشاره به نیتی دارد که وی به راشی منتقل می‌کند (که مثلاً در مقابل دریافت پول کاری را انجام خواهد داد). البته می‌توان در وجاهت این استدلال، هرگاه فرد واقعاً قصد رشوه‌خواری نداشته و صرفاً تظاهر به این امر می‌کرده است، تردید کرد، هرچند این نکته که فرد قصد انجام قول خود را نداشته است مسلماً چیزی از مسؤولیت وی نمی‌کاهد.

نتیجه‌گیری

از آنچه در مقاله حاضر مورد بررسی قرار گرفت، دانستیم که رشوه‌خواری پدیده نامیمونی است که پیشینه‌ای طولانی در کشورهای مختلف جهان داشته و عکس‌العمل‌های شدیدی را برمی‌انگیخته است. برای مبارزه با این پدیده فسادآلود، قوانین متعددی در کشورها وضع و کنوانسیون‌های زیادی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی منعقد شده است تا از آثار سوء رشوه بر اقتصاد جهان بکاهد.

علاوه بر جرم‌انگاری «قانون مجازات عمومی» از جرائم رشاء و ارتشاء، پس از انقلاب نیز، با توجه به سابقه فقهی حرمت رشاء و ارتشاء، «قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری» در سال ۱۳۶۷ و «قانون تعزیرات» در سال ۱۳۷۵ حاوی مقرراتی در مورد این جرم و مجازات آن‌ها بودند. لیکن، این مقررات در مقایسه با آنچه در سایر کشورها وجود دارد و نیز مفاد کنوانسیون ضد فساد سازمان ملل متحد موسوم به کنوانسیون مریدا که دولت جمهوری اسلامی ایران هم به آن پیوسته است، دارای خلأها و محدودیت‌هایی است که رفع آن‌ها با استفاده از تجربیات سایر کشورها می‌تواند قانون ایران را در این زمینه ارتقا بخشیده و موجب مبارزه مؤثرتر با این پدیده شوم گردد.

در این مقاله، ضمن بررسی این خلأها، پیشنهادهایی برای پر کردن آن‌ها و به‌روز کردن قوانین ایران در این حوزه و گسترده‌تر کردن تعریف و دامنه این جرائم ارائه شد. این امر برای سالم‌سازی روابط اقتصادی و اداری، به‌ویژه در

۱. جهت مشاهده پاسخ اداره کل حقوقی قوه قضائیه به این استعلامات، ر.ک. جزوه شماره ۸ از متون آموزشی ویژه قضات سازمان قضایی نیروهای مسلح، صص ۳۳-۳۴. نیز ر.ک. آرای شماره ۱۱۷۳، مورخ ۱۳۷۹/۱۰/۲۴ شعبه ۳۱، مورخ ۳۲/۲۹۵، ۱۳۷۹/۴/۵، ۷۹/۳۲.۹۰۸ مورخ ۱۳۷۹/۹/۲۹ شعبه ۳۴ و ۹۴۸ مورخ ۱۳۷۹/۸/۲۹ شعبه ۳۱ دیوان عالی کشور، مذکور در همان.

2. Abscam

3. Myers

دورانی که فساد به دغدغه اصلی مردم و مسئولان تبدیل شده است، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. مهم‌ترین خلأهای قوانین ایران در مورد این دو جرم، لزوم جنبه مالی داشتن آنچه به‌عنوان رشوه داده می‌شود، محدود کردن جرم ارتشا به کارکنان دولت و محدود کردن رفتار فیزیکی لازم برای تحقق عنصر مادی این جرائم به دادن یا گرفتن یا انجام معامله به بهای غیر واقعی است، درحالی‌که در سایر کشورها اعمالی مثل پیشنهاد و یا درخواست یا قبول پیشنهاد هم می‌تواند محقق عنوان مجرمانه رشاء و ارتشا شود.



فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

- اصغری، سید محمد؛ (۱۳۷۷). *بررسی حقوقی و فقهی دو مسئله رشوه و احتکار*، تهران: انتشارات اطلاعات.
- انیس، ابراهیم و منتصر، عبدالحلیم و سایرین (۱۳۷۲) *المعجم الوسيط*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- بهنام، رمسیس؛ (۱۹۸۶). *الجرائم المضرة بالمصلحة العمومية*، اسکندریه: منشأة المعارف.
- خویی، ابوالقاسم؛ (بی تا). *مبانی تکملة المنهاج*، بیروت: دارالزهرا للطباعة والنشر.
- دورانت ویل؛ (بی تا). *تاریخ تمدن، آغاز عصر خرد*، ترجمه اسماعیل دولتشاهی.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳) *لغت نامه*، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- راوندی، مرتضی؛ (۱۳۶۸). *سیر قانون و دادگستری در ایران*، تهران: نشر چشمه.
- سلامه، مأمون محمد؛ (۱۹۸۱). «قانون العقوبات: القسم الخاص - الجرائم المضرة بالمصلحة العامة»، قاهره: دارالفکر العربی.
- صانعی، پرویز؛ (۱۳۷۲). *حقوق جزای عمومی*، تهران: گنج دانش، چاپ پنجم.
- عاملی، شیخ حر؛ (۱۴۰۱ ق). *وسائل الشیعه*، تهران: مکتبه الاسلامیه، چاپ پنجم.
- عمید، حسن، (۱۳۶۴) *فرهنگ فارسی*، تهران: چاپ ششم.
- متین، احمد؛ (۱۳۳۰). *مجموعه رویه قضایی*، بی نا.
- معین، محمد (۱۳۷۵) *فرهنگ فارسی*، تهران: امیرکبیر.
- میر محمدصادقی، حسین؛ (۱۳۹۹). *جرائم علیه اموال و مالکیت*، تهران: نشر میزان، چاپ ۵۷.
- میر محمدصادقی، حسین؛ (۱۴۰۱). *حقوق جزای عمومی ۲*، تهران: نشر دادگستر، چاپ دوم.

اطلاعات

کیهان

همشهری

References

- Blackstone's **Guide to the Bribery Act**, Oxford University Press, 2010.
- Caldwell, R. A. **Criminal Law in New Zealand**
- Clarke, K. L. C. et al, **Criminal Law and The Canadian Criminal Code**, Toronto: McGraw-Hill, 1977
- Goff and Jones, **The Law of Restitution**, 4th ed, 1993.
- Mewett & Manning, **Criminal Law**, Toronto: Butterworths, 1985.

Smith, A. T. H. **Property Offences**, London: Sweet and Maxwell, 1994.

Bulletin of Legal Developments

Epoch Times

Financial Times

